

گروه از سرمایه گذاریها که قابلیت فروش سریع ندارد، هر چند موجب ایجاد و بسط روابط عملیاتی و تجاری با سایر واحدهای تجاری نمی شود، نیز می تواند به عنوان سرمایه گذاری بلند مدت معمولاً در ترانزنامه بعد از دارئیهای جاری اما قبل از اموال، ماشین آلات، و تجهیزات و تحت سر فصل جداگانه ای به همین نام (سرمایه گذاریهای بلند مدت) ارائه می شود.

اگر چه برای سرمایه گذاری در سهام و اوراق قرضه دلایل بسیاری وجود دارد اما انگیزه اصلی، افزایش درآمد خود را (۱) مستقیماً از طریق دریافت سود سهام یا سود تضمین شده سرمایه گذاری یا از طریق افزایش قیمت بازار سهام و اوراق قرضه یا (۲) به طور غیر مستقیم از طریق ایجاد و تحکیم روابط مناسب عملیاتی با سایر واحدهای تجاری به منظور بهبود نتایج عملیات خود، افزایش دهد. معمولاً سرمایه گذاریهای بلند مدت به منظور دستیابی به هدف دوم، یعنی بهبود نتایج عملیات از طریق برقراری روابط مناسب تجاری و عملیاتی با واحدهای تجاری دیگر صورت می گیرد. زیرا، واحد سرمایه گذار

از طریق اعمال نفوذ و کنترل بر خط مشی های مالی و عملیاتی واحدهای سرمایه پذیری که تامین کننده عمده مواد اولیه مورد نیاز واحد سرمایه گذار می باشد، خریداران محصولات واحد سرمایه گذار یا سایر واحدهای تجاری که با واحد سرمایه گذار ارتباط و مناسبات تجاری دارند، می تواند نتایج عملیات خود را به طور مستمر بهبود بخشد.

هدفهای سرمایه گذاریهای بلند مدت :

همان گونه که اشاره شد واحدهای تجاری ممکن است به دلایل مختلف اقدام به سرمایه گذاری در سهام و اوراق قرضه سایر واحد های تجاری نمایند . برای مثال، این گونه سرمایه گذاریها ممکن است به منظور برقراری مناسبات و ایجاد روابط نزدیک با تولید کنندگان عمده مواد و کالاهای مورد نیاز یا فروشندگان محصولات واحد سرمایه گذار صورت گیرد . حقوق ناشی از مالکیت سهام عادی واحدهای تجاری دیگر موجب می شود که واحد سرمایه گذار در نحوه مدیریت و تصمیم گیریهای واحد سرمایه پذیر اعمال نفوذ کند . بنابراین ، بسیاری از واحدهای تجاری از سرمایه گذاری در سهام عادی به عنوان وسیله ای برای کنترل فعالیت های واحدهای دیگر و همچنین تحصیل مالکیت واحدهای که نقدینگی مناسبی دارند ، استفاده می کنند .

قسمت الف : سرمایه گذاری در سهام عادی :

ثبت سرمایه گذاریهای بلند مدت در تاریخ خرید طبق اصل بهای تمام شده ، سرمایه گذاریهای بلند مدت در تاریخ خرید باید به بهای تمام شده ثبت شود . بهای تمام شده سرمایه گذاری شامل خرید ، حق الزحمه کار گزار ، مالیات انتقال و سایر مخارجی است که برای تحصیل سرمایه گذاری مزبور می شود . اگر در ازای ارزش سرمایه گذاری تحصیل شده دارائیهای غیر از وجه نقد واگذار شود ارزش متعارف دارائیهای مزبور نیز مشخص نباشد ، در این صورت ارزش جاری بازار (قیمت بورس) سهام مورد

سرمایه گذاری را می توان مبنای بهای تمام شده سرمایه گذاری و ارزش دارائی غیر نقدی واگذار شده در مبادله ، قرار دارد . در این گونه موارد چنانچه ارزش جاری بازار سهام مورد سرمایه گذاری و ارزش متعارف دارائی غیر نقدی واگذار شده در مبادله ، مشخص نباشد باید از نظر کارشناسان و ارزیابان مستقل برای تعیین بهای تمام شده استفاده کرد .

چنانچه دو یا چند گروه مختلف سهام به طور یکجا خریداری شود ، کل مبلغ پرداختی باید بین گروههای مختلف سهام سرشکن گردد . اگر سهام خریداری شده در بورس اوراق بهادار مورد معامله باشد از قیمت‌های بازار (بورس) آنها می توان به عنوان مبنا برای سرشکن کردن بهای تمام شده استفاده کرد . این روش تخصیص بهای تمام شده اصطلاحاً روش ارزش نیس بازار نامیده می شود .

سرمایه گذاری غالباً در بین فواصل زمانی پرداخت سود صورت می گیرد . در مورد اوراق قرضه ، طبق اصول پذیرفته شده حسابداری ، بهره (سود تضمین شده) تحقق یافته به عنوان بخشی از بهای خرید محسوب میگردد زیر پرداخت آن تعهد شده است . در مورد سهام ، سود سهام بخشی از بهای خرید تلقی نمی شود زیرا فرایند کسب سود تا زمانی که توزیع سود سهام اعلام نگردد تکمیل نشده است . حال نحوه ثبت سرمایه گذاریهای بلند مدت در سهام با استفاده از مثال زیر بیان کنیم . مثال : شرکت

خراسان در تاریخ ۱/۱۰/۱۳* تعداد ۵۰۰ سهم ۵۰۰ ریالی شرکت تهران را به مبلغ

۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال خریداری می کند. سود سهام معمولاً در اول مهر ماه هر سال پرداخت

می گردد. آخرین سود سهام پرداختی برای سهم ۵۰ ریالی بوده است. ثبت سرمایه

گذاری به شرح زیر خواهد بود:

سرمایه گذاریهای بلند مدت - سرمایه گذاری در سهام شرکت تهران ۱/۰۰۰/۰۰۰

بانک
۱/۰۰۰/۰۰۰

در صورتی که روش یکنواختی بر مبنای شناسایی ویژه بهای تمام شده هر گروه از

سرمایه گذاریها بطور مشخص بکار گرفته شود، حسابداری سرمایه گذاریهای بلند مدت

آسان می گردد. هر یک از سرمایه گذاریها باید بطور جداگانه ثبت شود.

ثبت مزبور باید بیانگر (تعداد)، تاریخ و بهای تمام شده یک واحد سرمایه گذاری

باشد. جزئیات مزبور هنگامی که بخشی از سرمایه گذاری در آینده به فروش می رسد

حائز اهمیت است زیرا بهای تمام شده سرمایه گذاریهای فروش رفته باید بر مبنای

سیستماتیک تعیین گردد در غیر این صورت ممکن است در محاسبه سود (زیان) اشتباه یا

دستکاریهای رخ دهد.

معمولا شناسایی دقیق سرمایه گذاری (سهام) فروش رفته مشکل نیست . اما در مواردی که به دلیل تعدد و یا حجم معاملات انجام یافته نسبت به سرمایه گذاریها ، شناسائی ویژه سرمایه گذاری (سهام) فروش رفته مشکل باشد ارجح است که از مبنای اولین صادره از اولین وارده استفاده شود . از نظر صورتهای مالی ، استفاده از روشهای شناسائی ویژه ، اولین صادره از اولین وارده یا میانگین (به استثنای اولین صادره از آخرین وارده) برای تعیین بهای تمام شده سرمایه گذاریهای فروش رفته شده می باشد .

تاثیر میزان سرمایه گذاری :

نحوه حسابداری سرمایه گذاری بلند مدت غالباً به میزان سرمایه گذار در سهام عادی واحد سرمایه پذیر بستگی دارد . سرمایه گذاری بلند مدت یک واحد تجاری در سهام عادی واحد تجاری دیگر را می توان بر حسب درصدی از سهام واحد سرمایه پذیر به شرح زیر طبقه بندی کرد :

۱- سرمایه گذاری بیش از ۵۰ درصد سهام

۲- سرمایه گذاری بین ۲۰ درصد تا ۵۰ درصد سهام

۳- سرمایه گذاری کمتر از ۲۰ درصد سهام

در مواردی که یک واحد تجاری بیش از ۵۰ درصد سهام عادی واحد تجاری دیگر را در مالکیت خود دارد ، سرمایه گذار اصطلاحاً واحد اصلی و سرمایه گذار ،

واحد فرعی نامیده می شود . سرمایه گذاری در سهام عادی فرعی ، در صورتهای مالی واحد اصلی به عنوان سرمایه گذاری بلند مدت گزارش می شود . در این گونه فرض بر این است که واحد اصلی بر واحد فرعی کنترل دارد ، از این رو واحد اصلی ملزم به تهیه صورتهای مالی تلفیقی می شود . صورتهای مالی تلفیقی با صورتهای مالی جداگانه هر یک از واحد های اصلی و فرعی تفاوت دارد . در تهیه صورتهای مالی تلفیقی شخصیتهای حقوقی مستقل واحد اصلی و واحد یا واحدهای فرعی نادیده گرفته می شود و همگی از لحاظ مقاصد گزارشگری مالی به عنوان یک شخصیت اقتصادی یگانه در نظر گرفته می

شوند . در برخی موارد هر چند واحد سرمایه گذار ممکن است کمتر از ۵۰ درصد سهام عادی واحد سرمایه پذیر را در مالکیت خود داشته باشد اما شواهد موجود ممکن است حاکی از این باشد که واحد سرمایه گذار خط مشی های مالی و عملیاتی واحد سرمایه پذیر را تحت کنترل دارد . در چنین مواردی نیز واحد سرمایه گذار (واحد اصلی) باید صورتهای مالی تلفیقی تهیه کند . به هر حال ، معیار اهمیت در مورد وجود کنترل و در

نتیجه تهیه صورتهای مالی و تلفیقی ، مالکیت در بیش از ۵۰ سهام عادی دارای حق رای واحد سرمایه پذیر است .

اگر چه واحد سرمایه گذار با اختیار داشتن کمتر از ۵۰ درصد سهام عادی واحد سرمایه پذیر ممکن است نتواند بر خط مشی های مالی و عملیاتی واحد سرمایه پذیر

کنترل داشته باشد اما با دارا بودن کمتر از ۵۰ درصد و بیشتر از ۲۰ درصد سهام ، امکان اعمال نفوذ قابل ملاحظه بر خط مشی های مالی و عملیاتی واحد سرمایه پذیر را خواهد داشت . طبق استانداردهای حسابداری ، در صورتی که درصد سرمایه گذاری در سهام عادی دارای حق رای واحد سرمایه پذیر بین ۲۰ تا ۵۰ درصد باشد عموماً واحد سرمایه گذاری می بایست از روش ارزش ویژه استفاده کند . اگر درصد سرمایه گذاری کمتر از ۲۰ درصد باشد ، احتمالاً واحد سرمایه گذار بر خط مشی های مالی و عملیاتی واحد سرمایه پذیر نفوذ قابل نخواهد داشت و در نتیجه برای حسابداری سرمایه گذاری در سهام باید از (۱) روش بهای تمام شده یا (۲) قاعده اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار استفاده شود .

حسابداری سرمایه گذاری در سهام بعد از تاریخ خرید :

در حسابداری سرمایه گذاریهای بلند مدت در سهام بعد از تاریخ خرید دو عامل بسیار مهم وجود دارد که عبارت است از (الف) نوع سهام از لحاظ داشتن حق رای (ب) میزان و درصد سرمایه گذاری از کل سهام منتشره . در حسابداری سرمایه گذاری در سهام ، به مفهوم بازده سرمایه گذاری نیز باید توجه شود . برخی معتقدند که بازده سرمایه گذاری یک واحد تجاری در سهام عادی واحد یا واحدهای تجاری دیگر صرفاً شامل سود سهام دریافتی است . برخی دیگر معتقدند که بازده سرمایه گذاری صرف نظر از پرداخت سود سهام ، عبارت از سهم مناسبی از سود خالص (پس از کسر سود سهام ممتاز

در صورت وجود) واحد سرمایه پذیر است. دلیل طرفداران نظریه دوم این است که اگر سود دوره واحد سرمایه پذیر به شکل سود سهام پرداخت نشود انباشته خواهد شد و باعث افزایش حقوق صاحبان سهام واحد سرمایه پذیر خواهد گردید. علاوه بر دو نظریه مزبور، برخی نیز معتقدند که بازده سرمایه گذاری در سهام عادی شامل سهام دریافتی به اضافه یا منهای هرگونه تغییرات در قیمت بازار سرمایه گذاری است. بر اساس نظریه بالا، سه روش مختلف حسابداری برای سرمایه گذاریهای بلند مدت در سهام سایر واحدهای تجاری مطرح شده است:

- ۱- روش بهای تمام شده. در این روش درآمد سرمایه‌گذاری صرفاً سود سهام دریافتی است.
 - ۲- روش ارزش ویژه. در این روش درآمد سرمایه گذاری شامل سهم مناسبی از سود خالص واحد سرمایه است.
 - ۳- روش قیمت بازار. در این روش درآمد سرمایه گذاری شامل سود سهام دریافتی و تغییرات در قیمت بازار سرمایه گذاری است.
- بکارگیری هر یک از روش‌های مزبور نیاز به شرایطی خاص دارد و به‌دو توجه به این شرایط نمی‌توان یکی از روشهای مزبور را به جای دیگری بکار گرفت.

همانطور که قبلا اشاره شد واحد سرمایه گذار با داشتن بیش از ۵۰ درصد سهام با حق رای واحد سرمایه پذیر معمولا باید صورتهای مالی تلفیقی را تهیه کند. مالکیت واحد سرمایه گذار در نوع واحد سرمایه پذیر واجد اهمیت است مثلا، مالکیت سهام با حق رای زمینه کنترل یا نفوذ سرمایه گذار بر خط مشی های مالی و عملیاتی سرمایه پذیر را فراهم می کند. حدود کنترل و نفوذ به میزان سرمایه گذاری بستگی دارد. طبق استانداردهای حسابداری، در حسابداری سرمایه گذاریهای بلند مدت باید دو مفهوم اساسی نفوذ قابل ملاحظه و کنترل مد نظر قرار می گیرد. تعاریف این مفاهیم به شرح زیر است:

۱- نفوذ قابل ملاحظه. نفوذ قابل ملاحظه به مفهوم توانایی قابل ملاحظه واحد سرمایه گذار در تاثیر گذاردن بر خط مشی های مالی و عملیاتی واحد سرمایه پذیر از طریق تحصیل میزان کافی از سهام عادی واحد سرمایه پذیر است. توانای در اعمال نفوذ قابل ملاحظه همچنین ممکن است به شکل های دیگری از قبیل داشتن نمایندگانی در هیات مدیره واحد سرمایه پذیر، مبادلات با اهمیت با واحدهای مزبور، وابستگی تکنولوژیک وجود داشته باشد. طبق استاندارد های حسابداری، به منظور دستیابی به یکنواختی قابل قبولی در این زمینه، سرمایه گذاری به

میزان ۲۰ درصد امکان اعمال نفوذ قابل ملاحظه را در واحد سرمایه گذاری فراهم می آورد.

۲- کنترل، کنترل در مواردی وجود دارد که واحد سرمایه گذار تعداد کافی از سهام واحد تجاری دیگر را داراست به گونه ای که قادر است سیاستهای مالی و عملیاتی آنرا به نحوی موثر کنترل کند. معمولاً مالکیت بیش از ۵۰ درصد سهام عادی یک واحد سرمایه پذیر اعمال کنترل مزبور را امکان پذیر می سازد. در برخی موارد واحد سرمایه گذار با داشتن کمتر از ۵۰ درصد سهام واحد سرمایه پذیر نیز می تواند خط مشی های مالی و عملیاتی واحد واحد سرمایه پذیر را تحت کنترل خود در آورد. عواملی از قبیل تعداد سهام داران و میزان مشارکت آنها در اداره واحد تجاری در اعمال کنترل موثر است. اما عموماً فرض می شود که با مالکیت بیش از ۵۰ درصد سهام عادی یک واحد تجاری می توان کنترل موثر را اعمال کرد.

حسابداری سرمایه گذارهای بلند مدت در سهام را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

ویژگی سرمایه گذاری میزان مالکیت سهام روش حسابداری و گزارشگری

الف- هیچگونه کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه وجود ندارد:

۱- سهام بدون حق رای به هر میزان بهای تمام شده

۲- سهام با حق رای تا میزان ۲۰ درصد بهای تمام شده

ب- نفوذ قابل ملاحظه وجود دارد اما کنترل وجود ندارد:

۳- سهام با حق رای از ۲۰ درصد تا ۵۰ درصد ارزش ویژه

ج- کنترل وجود دارد:

۴- سهام با حق رای است اما به دلایلی خاصی

صورت‌های مالی تلفیقی تهیه نمی‌شود بیش از ۵۰ درصد ارزش ویژه

۵- سهام با حق رای است اما به صورت‌های

مالی تلفیقی تهیه می‌شود بیش از ۵۰ درصد تلفیقی

روش های بهای تمام شده:

در این روش، حساب سرمایه گذاری به بهای تمام شده سهام خریداری شده ثبت

ونگه داری و در آمد سرمایه گذاری صرفاً به میزان سود سهام دریافتی شناسائی می‌شود.

مبلغ ثبت شده در حسابها به عنوان سود سهام دریافتی نباید از سودهای انباشته و توزیع

نشده که از خرید سهام عادی ایجاد شده است تجاوز کند. هرگونه تغییر درخالص

ارزش دفتری دارائیهای واحد سرمایه پذیر نادیده گرفته می شود مگر آن که کاهش دائمی و با اهمیتی در ارزش سرمایه گذاری رخ دهد که در این صورت حساب سرمایه گذاری در دفاتر واحد سرمایه گذار تعدیل می گردد. سرمایه گذاری در سهام را طبق استانداردهای حسابداری می توان به اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار حسابها ثبت کرد. رویدادهائی که ممکن است موجب انحراف از اصل بهای تمام شده گردد به شرح زیر مورد بحث قرار می گیرد:

۱- توزیع سود سهام مازاد بر سود قابل تقسیم:

در مواردی که برای حسابداری سرمایه گذاریهای بلند مدت از روش بهای تمام می شود، سود سهام دریافتی (غیر از سود سهام مازاد بر سود قابل تقسیم) همانند آنچه که در صفات قبل تشریح شد در حسابهای مربوط ثبت می گردد.

معمولا سود سهام هنگام توسط واحد سرمایه گذار به عنوان درآمد شناسائی و در حسابها ثبت می شود که توسط واحد سرمایه پذیر اعلام و پرداخت می گردد. در صورتی که میزان سود سهام پرداختی توسط واحد سرمایه پذیر بیش از منابعی باشد که واحد مزبور برای اعلام سود سهام در اختیار دارد، مبلغ اضافی باید به عنوان سود سهام مازاد بر سود قابل تقسیم محسوب شود. به عبارت دیگر سود سهام مازاد بر سود قابل تقسیم بیانگر برگشت بخشی از حقوق صاحبان سهام واحد سرمایه پذیر به استثنای سود انباشته است واحد سرمایه پذیر موظف است این موضوع را به نحو مناسب به اطلاع

سرمایه گذاران برساند. نظر به این که سود سهام مازاد بر سود قابل تقسیم به عنوان برگشت سرمایه گذاری تلقی می شود واحد سرمایه گذار باید این مبلغ را به حساب سرمایه گذاری بستانکار و حسابهای دریافتی یا بانک را حسب مورد بدهکار کند.

مثال: شرکت الف ۱۵ درصد سهام عادی شرکت «ب» را در سال ۱۳×۱ خریداری

کرده است شرکت «ب» طی سال ۱۳×۱ مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ ریال سود خالص داشته و مبلغ

۱۵۰/۰۰۰ ریال سود سهام اعلام و پرداخت کرده است. از آنجایی که سود سهام مبلغ

۱۰۰/۰۰۰ ریال سود خالص داشته و مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ ریال سود سهام اعلام و پرداخت

کرده است از آنجایی که سود سهام پرداختی بیشتر از سود خالص سال ۱۳×۱ است

شرکت الف سود سهام دریافتی را باید به شرح زیر در حسابها ثبت کند:

۲۲/۵۰۰

بانک

۱۵/۰۰۰

درآمد سود سهام

۷/۵۰۰

سرمایه گذاری در سهام شرکت «ب»

ثبت سود سهام دریافتی بر مبنای ۱۵ درصد سود سهام اعلام و پرداخت

شده.

۲- کاهش دائمی در ارزش سرمایه گذاری:

زیانهای عملیاتی واحد سرمایه گذاری پذیر که به کاهش خالص داراییهای آن منجر و دور نمای اقتصادی آن را بطور جدی خدشه دار می سازد توسط واحد سرمایه گذار در حسابها ثبت می شود.

در چنین وضعیتهای بخشی از سرمایه گذاری بلند مدت از بین رفته قلمداد می گردد و این واقعیت از طریق کاهش دادن ارزش سرمایه گذاری در حسابهای واحد سرمایه گذار نشان داده می شود. این نحوه عمل از نظر استانداردهای حسابداری نیز مورد تأیید است.

« اگر کاهش در ارزش سرمایه گذاری دائمی باشد. بهای تمام شده سرمایه گذاریها باید به ارزش جدید کاهش داده شود. مبلغ کاهش یافته باید به عنوان زیان تحقق یافته در حساب ثبت شود. ارزش جدید نباید در نتیجه افزایشهای بعدی در قیمت سرمایه گذاری تغییر کند»

ثبت حسابداری مربوط به زیان ناشی از کاهش دائمی ارزش سرمایه گذاریها به شرح زیر است:

زیان تحقق یافته ناشی از کاهش ارزش سرمایه گذاریهای

××××

بلند مدت

سرمایه گذاری در سهام عادی شرکت ... ×××

ثبت کاهش دائمی در ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت در سهام عادی

زیان ناشی از کاهش دائمی ارزش سرمایه گذاریها در محاسبه سود قبل از اقلام غیر

مترقبه و آثار انباشته تغییرات حسابداری در صورت حساب سود زیان منظور می شود.

اگر چه استانداردهای حسابداری رهنمودی جزئی در ارتباط با تعیین وجود کاهش

دائمی در ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت ارائه داده است اما برای شناسائی این

کاهش موارد زیر نیز باید مورد توجه قرار گیرد:

- ۱- تاریخ سرمایه گذاری در سهام
- ۲- مبلغ گاه در ارزش سرمایه گذاری و مدت زمانی که قیمت بازار سهام از بهای تمام شده آن کمتر بوده است.
- ۳- وضعیت مالی (وضعیت نقدینگی) و آینده واحد سرمایه پذیر
- ۴- وضعیت مالی (وضعیت نقدینگی) واحد سرمایه گذار.
- ۵- اهمیت مبلغ کاهش در ارزش سرمایه گذاری در مقایسه با سود خالص و حقوق صاحبان سهام واحد سرمایه گذار.

۳- بکار گیری قاعده اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار:

طبق استانداردهای حسابداری به منظور بکار گیری قاعده اقل بهای تمام شده یا

قیمت بازار در مورد سرمایه گذاریهای بلند مدت بهای تمام شده سرمایه گذاریهای

بلند مدت در هر زمان بهای اولیه سرمایه گذاریهای مزبور خواهد بود به استثنای موارد

زیر که بهای تمام شده جدیدی برای سرمایه گذاریها تعیین می شود.

الف: نقل و انتقال بخشی از سرمایه گذاری در سهام بین مجموعه سرمایه

گذاریهای کوتاه مدت و بلند مدت (تغییر طبقه بندی از کوتاه مدت به بلند مدت و

بالعکس) در مواردی که قیمت بازار آنها از بهای تمام شده کمتر است.

ب- کاهش ارزش بخشی از سرمایه گذاریها نا قیمت بازار به منظور انعکاس

کاهش دائمی در قیمت بازار که کمتر از بهای تمام شده (اولیه) سرمایه گذاری

است.

در مواردی که جمع ارزش بازار مجموعه سرمایه گذاریهای بلند مدت بر مبنای

روش بهای تمام شده از بهای تمام شده آنها کمتر است بکار گیری روشهای

حسابداری خاص ضروری خواهد بود. این گونه مجموعه سرمایه گذاریها باید به اقل

تمام شده بازار ارزیابی گردد.

در ثبت تعدیلی که در پایان دوره مالی برای بکارگیری قاعده اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار انجام می شود از حسابی نیافته برای ثبت طرف مقابل آن استفاده خواهد شد. مانده حساب ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاری بلند مدت در ترازنامه از بهای تمام شده سرمایه گذاری بلند مدت و مانده انباشته زیانهای تحقق نیافته ناشی از این گونه سرمایه گذاریهای بلند مدت در قسمت حقوق صاحبان سهام به عنوان زیان سرمایه ای گزارش می شود. زیانهای تحقق نیافته در نتیجه تائید کاهش دائمی در ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت یا سودهای تحقق نیافته بعدی حذف می شود. در هیچ شرایطی سودهای انباشته تحقق نیافته که در نتیجه افزایشهای بعدی در قیمت بازار سرمایه گذاری ایجاد می شود نباید از زیانهای انباشته بیشتر شود زیرا به افزایش بهای تمام شده سرمایه گذاری منجر خواهد شد به عبارت دیگر هر گونه افزایش بعدی در قیمت بازار سرمایه گذاری حداکثر می تواند مانده انباشته زیانهای تحقق نیافته را خنثی کند. برای تشریح نحوه حسابداری مربوط به ارزیابی سرمایه گذاریهای بلند مدت به اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار مثالهای زیر ارائه می شود:

مثال ۱- شرکت خراسان در ابتدای سال ۱۳×۱ میلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال در سهام عادی شرکت تهران سرمایه گذاری کرده است. قیمت بازار سرمایه گذاری مزبور در

پایان سال 13×1 بالغ بر $160/000$ ریال و در پایان سال 13×2 بالغ بر $184/000$ ریال بود.

ثبت حسابداری لازم به منظور ارزیابی سرمایه گذاری بلند مدت به اقل بهای تمام شده با قیمت بازار در پایان هر یک از سالهای 13×1 و 13×2 بشرح زیر است.
پایان سال 13×1 :

زبان تحقق نیافته کاهش ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت $40/000$
ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت به قیمت بازار

$40/000$

ایجاد و ثبت ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت

پایان سال 13×2 : $24/000$

ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت به قیمت بازار

زبان تحقق نیافته کاهش ارزش سرمایه گذاریهای

بلند مدت $24/000$

تعدیل ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاریها به میزان مورد نیاز در پایان سال

13×2

زمانی که سرمایه گذاریهای بلند مدت به قیمتی کمتر از بهای تمام شده اولیه آن به فروش می رسد تفاوت به عنوان زیان تحقق یافته محسوب و در حسابها ثبت می شود اما تا پایان دوره حسابداری مربوط هیچگونه ثبتی در حسابهای ذخیره کاهش ارزش و زیان تحقق نیافته کاهش ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت صورت نمی گیرد.

در ادامه مثال فرض کنید که شرکت سرمایه گذار در دهم شهریور سال ۱۳×۳ بخشی از سرمایه گذاریهای بلند مدت را که بهای تمام شده آن ۱۰۰/۰۰۰ ریال است. به مبلغ ۷۵/۰۰۰ ریال به فروش می رساند. قیمت بازار سایر سرمایه گذاریهای شرکت در پایان سال ۱۳×۳ به شرح زیر است:

دهم شهریور سال ۱۳×۳:

۷۵/۰۰۰

بانک

زیان تحقق یافته (ناشی از فروش سرمایه گذاریهای بلند مدت)

۲۵/۰۰۰

۱۰۰/۰۰۰

سرمایه گذاریهای بلند مدت

پایان سال ۱۳×۳ :

ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت به قیمت بازار

۶/۰۰۰

زیان تحقق نیافته کاهش ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت ۶/۰۰۰

تعدیل ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت به میزان مورد نیاز در

پایان سال ۱۳×۳

زمانی که سرمایه گذاریهای بلند مدت به قیمتی کمتر از بهای تمام شده اولیه

آن به فروش می رسد تفاوت به عنوان زیان تحقق یافته محسوب و در حسابها ثبت می

شود اما تا پایان دوره حسابداری مربوط هیچگونه ثبتي در حسابهای ذخیره کاهش

ارزش و زیان تحقق نیافته کاهش ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت صورت نمی

گیرد.

در ادامه مثال قبل فرض کنید که شرکت سرمایه گذار در دهم شهریور سال

۱۳×۳ بخشی از سرمایه گذاریهای بلند مدت را که بهای تمام شده آن ۱۰۰/۰۰۰ ریال

است به مبلغ ۷۵/۰۰۰ ریال به فروش می رساند. قیمت بازار سایر سرمایه گذاریهای

شرکت در پایان سال ۱۳×۳ به شرح زیر است:

دهم شهریور سال ۱۳×۳

۷۵/۰۰۰

بانک

زیان تحقق یافته (ناشی از فروش سرمایه گذاریهای بلند مدت)

۲۵/۰۰۰

۱۰۰/۰۰۰

سرمایه گذاریهای بلند مدت

ثبت فروش بخشی از سرمایه گذاریهای بلند مدت

پایان سال ۱۳×۳

ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت به قیمت بازار

۶/۰۰۰

۶/۰۰۰

زیان تحقق نیافته کاهش ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت

تعدیل ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت به میزان مورد نیاز

در پایان سال ۱۳×۳

بخشی از ترازنامه شرکت خراسان در پایان هر یک از سالهای ۱۳×۱، ۱۳×۲،

۱۳×۳ شرح زیر خواهد بود:

سال ۱۳×۳

سال ۱۳×۲

سال ۱۳×۱

ریال

ریال

ریال

سرمایه گذاریها:

سرمایه گذاریهای بلند مدت در سهام به بهای تمام شده ۲۰۰/۰۰۰ ۲۰۰/۰۰۰
۱۰۰/۰۰۰

کسر می شود: ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاریهای

۱۰۰/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۴۰۰/۰۰۰	بلند مدت به قیمت بازار
۹۰/۰۰۰	۱۸۴/۰۰۰	۱۶۰/۰۰۰	

حقوق صاحبان سهام:

xxxx	xxxx	xxxxx	سرمایه و سود (زیان) انباشته
------	------	-------	-----------------------------

کسر می شود: زیان تحقق نیافته کاهش ارزش

۱۰۰/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۴۰/۰۰۰	سرمایه گذاریهای بلند مدت
xxxx	xxxx	xxxx	حقوق صاحبان سهام

مثال ۲

۱- شرکت گیلان در ۱/۱/۵×۱۳ کمتر از ۲۰ درصد سهام شرکتهای الف و ب

را بشرح زیر خریداری می کند.

الف- ۵۰/۰۰۰ سهم ۵۰۰ ریالی شرکت الف به قیمت هر سهم ۲۰۰ ریال

ب- ۴۰/۰۰۰ سهم ۱/۰۰۰ ریالی شرکت ب به قیمت هر سهم ۲/۰۰۰ ریال

۲- ارزش بازار مزبور در پایان سال ۱×۱۳ بشرح زیر بوده است.

الف- ارزش بازار هر سهم شرکت الف ۱/۰۰۰ ریال

ب- ارزش بازار هر سهم شرکت ب ۲/۱۰۰ ریال

۳- ارزش بازار هر سهم شرکت الف در ۱۳×۲/۴/۱۵ تا مبلغ ۷۰۰ ریال کاهش

یافت. کاهش مزبور دائمی است.

۴- در تاریخ ۱۳×۲/۸/۱۰ سهم از سهام شرکت ب به طور غیر منتظره به

بهای هر سهم ۲/۴۰۰ ریال نقدا به فروش رسید.

۵- ارزش بازار سهام در پایان سال ۱۳×۲ به شرح زیر بوده است (انتظار می رود

افزایش و کاهش در ارزش بازار سهام موقتی باشد)

الف- ارزش بازار هر سهم شرکت الف ۵۵۰ ریال

ب- ارزش بازار هر سهم شرکت ب ۲/۲۰۰ ریال

ثبت های حسابداری مربوط به رویدادهای فوق به شرح زیر خواهد بود:

۱- در تاریخ ۱۳×۱/۱/۵ (خرید سهام):

سرمایه گذاریهای بلند مدت در سهام ۱۴/۰۰۰/۰۰۰

۱۴/۰۰۰/۰۰۰

بانک

۲- در تاریخ ۱۳×۱/۱۲/۲۹ (ثبت تعدیلی با توجه به بکارگیری قاعده اقل

بهای تمام شده یا قیمت بازار):

زیان تحقق نیافته کاهش ارزش سرمایه گذاریهای

۶۰۰/۰۰۰

بلند مدت در سهام

ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاریها به ارزش

۶۰۰,۰۰۰

بازار

شرکت	تعداد سهام	بهای تمام شده هر سهم	جمع بهای تمام شده	ارزش بازار هر سهم	جمع ارزش بازار	سود (زیان) تحقق یافته
		ریال	ریال	ریال	ریال	ریال
الف	۵,۰۰۰	۱,۲۰۰	۶,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰
ب	۴,۰۰۰	۲,۰۰۰	۸,۰۰۰,۰۰۰	۲,۱۰۰	۸,۴۰۰,۰۰۰	۴۰۰,۰۰۰
			۱۴,۰۰۰,۰۰۰		۱۳,۴۰۰,۰۰۰	۶۰۰,۰۰۰

۳- در تاریخ ۱۳/۲/۱۵ - شناسایی کاهش دائمی در ارزش سهام شرکت الف :

زیان تحقق یافته کاهش ارزش سرمایه گذاریهای

بلند مدت { (۷۰۰ - ۲۰۰) × ۵,۰۰۰ }

۲,۵۰۰,۰۰۰

سرمایه گذاریهای بلند مدت در سهام

۲,۵۰۰,۰۰۰

۴- در تاریخ ۱۳/۲/۸/۱۰ - فروش غیر منتظره ۱,۰۰۰ سهم شرکت ب :

۲,۴۰۰,۰۰۰

بانک

۲,۰۰۰,۰۰۰

سرمایه گذاریهای بلند مدت در سهام

۴۰۰,۰۰۰

سود تحقق یافته فروش سرمایه گذاریهای بلند مدت

۵_ در تاریخ 13×2/12/29- ثبت تعدیلی بر مبنای به کار گیری قاعده اقل بهای تمام شده

یا قیمت بازار:

۴۵۰,۰۰۰

ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت به ارزش بازار

۴۵۰,۰۰۰

زیان تحقق نیافته کاهش ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت

محاسبات :

بهای تمام شده	جمع بهای تمام شده	ارزش بازار هر سهم	جمع ارزش بازار	سود (زیاد تحقق نیافته
ریال	ریال	ریال	ریال	ریال
۷۰۰	۳,۰۰۵,۰۰۰	۵۵۰	۲,۷۵۰,۰۰۰	(۷۵۰,۰۰۰)
۵,۰۰۰	۶,۰۰۰,۰۰۰	۲,۲۰۰	۶,۶۰۰,۰۰۰	۶۰۰,۰۰۰
۳,۰۰۰	۹,۵۰۰,۰۰۰	۹,۳۵۰,۰۰۰	۹,۳۵۰,۰۰۰	(۱۵۰,۰۰۰)

انده بستانکار حساب ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاری
قبل از (13×2/12/29)
انده بستانکار مورد نیاز ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاری در
اریخ (13×2/12/29)

ثبت تعدیلی که باید انجام شود . ۴۵۰,۰۰۰

توضیحات مربوط به ثبتهای انجام شده در بالا به شرح زیر است :

الف - همانگونه که در ثبتهای ۲ و ۵ نشان داده شده است قاعده بهای تمام شده یا قیمت بازار به جای ایکه در مورد هر یک از سرمایه گذاریها به طور جداگانه اعمال شود به

مجموعه سرمایه گذاریهای بلند مدت بکار گرفته شده است .

ب - مانده زیان تحقق یافته در تاریخ 13×2/4/15 که مربوط به کاهش دائمی بازار سهام

شرکت الف است (۲,۷۵۰,۰۰۰ ریال) و سود تحقق یافته در تاریخ 13×2/8/10 که

مربوط به فروش سهام شرکت ب است (۴۰۰,۰۰۰ ریال) به خلاصه حساب سود و زیان

بسته می شود .

ج_ هنگام فروش ۱۰۰۰ سهم از سهام شرکت الف در تاریخ $13 \times 2 / 8 / 10$ ، تفاوت بین

قیمت فروش و بهای تمام شده به عنوان سود تحقق یافته شناسائی می شود. همچنین

مانده حساب ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاریهای بلند مدت در پایان دوره مالی

متناسب با مجموعه سرمایه گذاریهای بلند مدت در تاریخ مزبور تعدیل می شود.

در ثبت های بالا نحوه حسابداری مربوط به تغییر طبقه بندی هر یک از سرمایه گذاریها از

کوتاه مدت به بلند مدت و بالعکس نشان داده نشده است. نقل و انتقال سرمایه گذاریها

باید با توجه به قاعده اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار انجام شود. قیمتی که به این

ترتیب تعیین می شود بهای تمام شده سرمایه گذاری برای دوره بعد محسوب می گردد.

در صورتی که قیمت بازار سهام از بهای تمام شده آن کمتر باشد، مابه التفاوت باید به

عنوان زیان تحقق یافته شناسائی و در صورت حساب سود و زیان نشان داده شود. نحوه

انعکاس رویدادهای مزبور در صورتهای مالی هر یک از سالهای مربوط به شرح زیر است

:

بخشی از صورتهای مالی شرکت گیلان

13×2

13×1

صورت حساب سود و زیان :

زیان تحقق یافته در قیمت بازار

۲۵۰۰٫۰۰۰

سرمایه گذاریهای بلند مدت

سود تحقق یافته ناشی از فروش

سرمایه گذاریهای بلند مدت

۴۰۰٫۰۰۰

ترازنامه :

سرمایه گذاریهای بلند مدت :

۱۴٫۰۰۰٫۰۰۰

سرمایه گذاری در سهام (بهای تمام شده)

۹٫۵۰۰٫۰۰۰

کسر می شود : ذخیره کاهش ارزش

(۱۵۰٫۰۰۰)

(۶۰۰٫۰۰۰)

سرمایه گذاریها

۹٫۳۵۰٫۰۰۰

۱۳٫۴۰۰٫۰۰۰

حقوق صاحبان سهام :

زیان تحقق نیافته نسبت به

۱۵۰,۰۰۰

۶۰۰,۰۰۰

سرمایه گذاری بلند مدت در سهام

روش ارزش ویژه:

همان گونه که قبلا اشاره شد، روش ارزش ویژه بر این فرض مبتنی است که واحد

سرمایه گذار تعداد کافی از سهام واحد سرمایه پذیر را در مالکیت دارد به گونه ای که

بتواند بر خط مشی های مالی و عملیاتی واحد سرمایه پذیر نفوذ قابل ملاحظه اعمال کند

که یکی از آثار آن تاثیر بر خط مشی اعلام سود سهام واحد سرمایه پذیر است. بنابراین،

در چنین مواردی، سود سهام پرداختی توسط واحد سرمایه پذیر دیگر نمی تواند معیار

مناسبی در مورد بازده سرمایه گذاری واحد سرمایه گذار محسوب شود، زیرا فرض بر

این است که واحد سرمایه گذار با مالکیت حداقل ۲۰ درصد سهام می تواند بر خط مشی

اعلام و پرداخت سود سهام توسط واحد سرمایه پذیر تاثیر گذارد. در چنین حالتی، سود

سهام پرداختی توسط واحد سرمایه پذیر ممکن است به جای این که معیار اندازه گیری

سود آوری سرمایه گذاری تلقی می شود بیانگر ملاحظاتی نظیر حفظ نقدینگی واحد

سرمایه پذیر یا نیازهای نقدی واحد سرمایه گذاری باشد.

برای مثال، فرض کنید یک واحد سرمایه گذار در ۱۰۰ درصد سهام عادی یک واحد

سرمایه پذیر سرمایه گذاری کرده است. واحد سرمایه پذیر طی دو سال سود آور بوده اما

هیچگونه سود سهامی را اعلام و پرداخت نکرده زیرا واحد سرمایه گذار نیازی به وجوه

نقدی اضافی نداشته است. در سال سوم اگر چه واحد سرمایه پذیر زیان داشته اما سود

سهام قابل توجهی پرداخت کرده است عدم شناسائی و گزارش در آمد سرمایه گذاری توسط واحد سرمایه گذار در سالهای اول و دوم که پرداخت کرده است عدم شناسائی و گزارش در آمد سرمایه گذاری توسط واحد سرمایه گذار در سالهای اول و دوم که واحد سرمایه پذیر سود آورده بوده است و شناسائی و گزارش در آمد قابل توجه برای سرمایه گذاری در سال سوم که واحد سرمایه پذیر متحمل زیان شده است ، می تواند گمراه کننده باشد .

تحقق نفوذ قابل ملاحظه واحد سرمایه گذار بر واحد سرمایه پذیر لزوما مستلزم مالکیت صد در صد سهام واحد سرمایه پذیر نیست . در مواردی که سهام عادی واحد سرمایه پذیر در اختیار تعداد زیادی سهامدار است ، سرمایه گذار می تواند با داشتن کمتر از ۵۰ درصد سهام بر خط مشی های مالی و عملیاتی واحد سرمایه پذیر نیز نفوذ قابل ملاحظه اعمال کند زیرا به ندرت اتفاق می افتد که بقیه صاحبان سهام نسبت به کلیه مسائل اتفاق نظر داشته باشند .

هنگامی که واحد سرمایه گذار بر واحد سرمایه پذیر نفوذ قابل ملاحظه دارد ، استفاده از روش ارزش ویژه در مقایسه با روش بهای تمام شده باعث می شود تا حقوق (منافع) متعلق به واحد سرمایه پذیر ناچیز است یا اصولاً هیچگونه نفوذی وجود ندارد ، در آمد سرمایه گذاری واحد سرمایه گذار ممکن است به سود سهام دریافتی محدود گردد که

در این حالت بکارگیری روش بهای تمام شده مناسبتر است. ضابطه اصلی در انتخاب روش بهای تمام شده یا روش ارزش ویژه، میزان نفوذی است که واحد سرمایه گذار می تواند بر واحد سرمایه پذیر اعمال کند.

رهنمود استانداردهای حسابداری در مورد حفظ یکنواختی در نحوه ی عمل حسابداری در ارتباط با سرمایه گذاریهای بلند مدت به شرح زیر است:

سرمایه گذاری مستقیم یا غیر مستقیم در حداقل ۲۰ درصد سهام با حق رای واحد سرمایه پذیر، به اعمال نفوذ قابل ملاحظه در واحد سرمایه پذیر منجر می شود مگر آن که خلاف این امر مشاهده شود.

بنابراین، در مورد سرمایه گذاریهایی که معروف حداقل ۲۰ درصد سهام با حق رای واحد سرمایه پذیر است باید روش ارزش ویژه رایبه کار گرفت. اگر واحد سرمایه گذار حداقل ۲۰ درصد سهام با حق رای واحد سرمایه پذیر را در مالکیت داشته باشد اما قادر به اعمال نفوذ قابل ملاحظه ای بر آن نباشد، باید از ارزش بهای تمام شده استفاده کند.

برای سرمایه گذاری های کمتر از ۲۰ درصد نیز باید از روش بهای تمام شده استفاده می شود مگر آن که اعمال نفوذ ملاحظه نسبت به خط مشی های مالی و عملیاتی واحد سرمایه پذیر برای واحد سرمایه گذار آشکارا وجود داشته باشد. رهنمود مربوط در استانداردهای حسابداری در مورد نحوه حسابداری روش ارزش ویژه به شرح زیر است:

الف - سود و زیان حاصل از عملیات واحدهای تجاری باید حذف شود مگر آن که تحقق یافته قلمداد شود.

ب - تفاوت بین بهای تمام شده سرمایه گذاری و سهم واحد سرمایه گذار از خالص ارزش دفتری واحد سرمایه پذیر باید به گونه ای مشابه با آنچه که در مورد واحدهای فرعی در تلفیق عمل می شود، محاسبه گردد.

ج - سرمایه گذاری در سهام عادی، در ترازنامه واحد سرمایه گذار باید به عنوان یک رقم مجزا نشان داده می شود و سهم سرمایه گذار از سود زیان واحد سرمایه پذیر، به استثنای اقلام غیر مترقبه که در بن د تشریح می شود نیز باید در صورت حساب سود و زیان واحد سرمایه گذار به شکل یک رقم جداگانه گزارش شود.

د - سهم واحد سرمایه گذار از اقلام غیر مترقبه و اصطلاحات مربوط به دوره های قبل واحد سرمایه پذیر باید طبق استانداردهای حسابداری و مشابه با اقلام غیر مترقبه و اصطلاحات مربوط به دوره های قبل واحد سرمایه گذار بین بهای فروش و ارزش ویژه، حساب سرمایه گذاری در تاریخ خرید به بهای تمام شده سرمایه گذاری بدهکار می شود و سپس این حساب در هر یک از دوره های بعد (۱) متناسب با سهم واحد سرمایه گذار از سود یا زیان واحد سرمایه پذیر حسب مورد افزایش یا کاهش می یابد و (۲) متناسب با سود سهام دریافتی کاهش می یابد. همچنین ثبتهای لازم به منظور تعدیل در آمد شناسائی

واحد سرمایه پذیر توسط واحد سرمایه گذار جهت (الف) حذف هر گونه سود یا زیان حاصل از فعالیت های بین واحدهای تجاری و (ب) استهلاک مازاد بهای تمام شده سرمایه گذاری نسبت به سهم واحد سرمایه گذار ارزش دفتری خالص دارائیهای واحد سرمایه پذیر، صورت می گیرد. این مازاد غالباً به وجود می آید زیرا واحد سرمایه پذیر دارائیهای خود را به بهای تمام شده اندازه گیری می کند در حالی که سرمایه گذار دارائیهای واحد سرمایه پذیر را در تاریخ تحصیل سرمایه گذاری به ارزشهای بازار (جاری) اندازه گیری می کند. در مواردی که واحد سرمایه پذیر سود یا زیان غیر مترقبه گزارش می کند، سرمایه گذار نیز باید سهم خود را از ارقام مزبور به طور جداگانه و به شکل ارقام غیر مترقبه گزارش نماید.

بنابراین واحد سرمایه گذار بعد از تاریخ تحصیل سرمایه گذاری، در هر دوره باید وضعیتهای زیر را در نظر گیرد و ثبتهای لازم را انجام دهد.

۱- سهم مناسبی از سود خالص دوره واحد سرمایه پذیر را به بدهکار حساب سرمایه

گذاری و بستانکار حساب در آمد سرمایه گذاری منظور کند و چنانچه واحد سرمایه پذیر به جای سود، متحمل زیان شده باشد سرمایه گذاری را بستانکار و حساب زیان سرمایه گذاری را بدهکار کند. اگر سود (زیان) خالص واحد سرمایه پذیر شامل ارقام غیر مترقبه باشد واحد سرمایه گذار باید سهم خود را از

این گونه اقلام به طور جداگانه ثبت و گزارش نماید. بنابراین حساب سرمایه گذاری با توجه به سود یا زیان خالص دوره واحد سرمایه پذیر افزایش یا کاهش می یابد. چنانچه نتایج عملیات واحد سرمایه پذیر به تحصیل سود منجر شده باشد، چنین فرض می شود که واحد سرمایه گذار نیز سهم مناسبی از این سود را از طریق افزایش بعدی در ارزش دارتیها تحصیل می کند (در صورت تحمل زیان عکس این موضوع مصداق دارد).

۲- سود سهام دریافتی را به بدهکار حساب نقد و بستانکار حساب سرمایه گذاری

منظور کند. در واقع پرداخت سود سهام توسط سرمایه پذیر به واحد سرمایه گذار به منزله تبدیل بخشی از سرمایه گذاری به وجه نقد است که به این ترتیب از سرمایه گذاری داده می شود.

۳- در صورتی که ارزش دارتیهها واحد سرمایه پذیر در تاریخ تحصیل سرمایه گذاری

از ارزش دفتری آنها در همان تاریخ بیشتر باشد و واحد سرمایه گذار برای تحصیل

سهام مبلغی بیش از ارزش دفتری خالص دارتیههای واحد سرمایه پذیر پرداخت

کند، سهم مناسبی از مخارج اضافی پرداخت شده (مازاد بهای تمام شده سرمایه

گذاری نسبت به ارزش جاری دارتیههای واحد سرمایه پذیر) باید در هر دوره

محاسبه و در حسابها ثبت شود. مثالهایی در مورد مخارج اضافی که باید ثبت

شود به شرح زیر است:

الف _ هزینه استهلاک اضافی: فرض کنید که واحد سرمایه گذار ۲۰ درصد سهام

یک واحد سرمایه پذیر را تحصیل کرده است. ارزش دفتری دارئیهای استهلاک

پذیر واحد سرمایه پذیر در تاریخ تحصیل سرمایه گذاری ۵۰۰٫۰۰۰ ریال و ارزش

جاری آنها ۷۰۰٫۰۰۰ ریال است. روش استهلاک خط مستقیم، سنوات باقیمانده

عمر مفید دارئیهای مزبور ده سال و ارزش اسقاط آنها ناچیز است. بنابراین واحد

سرمایه گذار هر سال باید ۴٫۰۰۰ ریال [$۱۰ - ۲۰ / ۰ * ۲۰۰٫۰۰۰$] به عنوان هزینه

استهلاک اضافی شناسائی کند. در غیر این صورت در آمد سرمایه گذاری شناسایی

شده توسط واحد سرمایه گذار و حساب سرمایه گذاری در دفاتر واحد سرمایه گذار

بیش از واقع ارائه خواهد شد.

مبلغ استهلاک اضافی به حساب در آمد سرمایه گذاری بدهکار و به حساب سرمایه

گذاری بستانکار می شود. ثبت مبلغ مزبور به بدهکار حساب هزینه استهلاک و

بستانکار استهلاک انباشته شرکت سرمایه گذار صحیح نیست زیرا سرمایه گذار

قیمت بازار دارئیها مزبور را به عنوان بخشی از بهای تمام شده سرمایه گذاری

گزارش می کند.

ب _ موجودی مواد و کالا و سرمایه گذاریهای کوتاه مدت داشته باشد ، همانگونه که در مورد شناسائی استهلاک سرقفلی تشریح شد ، هزینه های اضافی مربوط به اینگونه دارائیهها نیز باید شناسائی شود . مثلا اگر ارزش دفتری موجودی های مواد و کالا یا سرمایه گذاریهای کوتاه مدت واحد سرمایه پذیر در تاریخ تحصیل سرمایه گذاری از ارزش بازار آنها کمتر باشد ، هزینه های اضافی مربوط باید هنگام مصرف یا فروش اینگونه ارقام به بستانکار حساب سرمایه گذاری و بدهکار حساب در آمد سرمایه گذاری منظور شود . این ثبت معمولا در سال بعد از تحصیل سرمایه گذاری انجام می شود زیرا فروش دارائیههای جاری در دوره بعد واقع می گردد . به همین ترتیب ، هر گونه سود یا زیانی که ناشی از واگذاری یا فروش یکی از دارائیههای بلند مدت واحد سرمایه پذیر در تاریخی بعد از تحصیل سرمایه گذاری بوده و توسط واحد سرمایه پذیر گزارش می شود باید بابت هر گونه تفاوت بین ارزش دفتری دارائی مزبور و ارزش بازار که توسط واحد سرمایه گذار ملاک ثبت قرار گرفته است ، تعدیل شود . لازم به یادآوری است که هر گونه تعدیل در حساب سرمایه گذاری و سود سرمایه گذاری باید متناسب با میزان سرمایه گذاری صورت گیرد .

۴- استهلاک سالانه هر گونه سرقفلی خریداری که ناشی از تحصیل سرمایه گذاری است، را ثبت کند سرقفلی از مازاد بهای تمام شده سرمایه گذاری نسبت به سهم

واحد سرمایه گذار از ارزش جاری خالص دارائیهایی قابل شناسائی واحد سرمایه پذیر ناشی می شود. سرقفلی جزء دارائیهایی قابل شناسائی نیست. زیرا عینیت ندارد یا به طور جداگانه در حسابهای واحد سرمایه پذیر ثبت نمی گردد. برای مثال، اگر سرقفلی خریداری شده در تاریخ تحصیل سرمایه گذاری ۵۶۰۰۰ ریال محاسبه و فرض شود که طی مدت ۴۰ سال مستهلک می گردد باید هر سال مبلغ ۱۴۰۰ ریال (۴۰-۵۶۰۰) به عنوان هزینه اضافی شناسائی و به بدهکار در آمد سرمایه گذاری و بستانکار حساب سرمایه گذاری منظور شود. سرقفلی از محل در آمد سرمایه گذاری مستهلک می شود زیرا در آمد سرمایه گذاری را کاهش می دهد (یا زیان سرمایه گذاری را افزایش می دهد). مبلغ استهلاک سرقفلی به حساب سرمایه گذاری بستانکار می شود زیرا بهای تمام شده سرقفلی تلویحا در حساب سرمایه گذاری منظور شده و جزئی از آن محسوب می شود.

۵- سود یا زیان حاصل از فروش تمام یا بخشی از سرمایه گذاری که معادل تفاوت بین بهای فروش و ارزش دفتری سرمایه گذاری است را ثبت کند.

۶- هر گونه سود یا زیان ناشی از معاملات فیما بین را حذف کند.

۷- هر گونه کاهش در ارزش سرمایه گذاری، به استثنای کاهشهای موقتی، را ثبت نماید.

۸- در صورتی که صورتهای مالی واحد سرمایه پذیر به منظور بکارگیری روش ارزش ویژه به موقع در اختیار واحد سرمایه گذار قرار نگیرد، واحد سرمایه گذار باید آخرین صورتهای مالی واحد سرمایه پذیر را که در دسترس می باشد مورد استفاده قرار دهد و این تاخیر زمانی باید از دوره ای به دوره دیگر همواره ثابت باشد .

۹- عملیات (ثبتهای) انجام شده در حساب سرمایه و حقوق صاحبان سهام واحد سرمایه پذیر که بر سهم واحد سرمایه گذار از حقوق صاحبان سهام تاثیر می گذارد باید بر مبنای تلفیق در نظر گرفته شود .

۱۰- هنگام محاسبه سهم واحد سرمایه گذار از سود یا زیان واحد سرمایه پذیر ف صرفه نظر از پرداخت یا عدم پرداخت سود سهام ممتاز انباشته باید کسر شود .

۱۱- شناسائی و ثبت زیان سرمایه گذاری که موجب کاهش ارزش سرمایه گذاری می گردد تا زمانی انجام گیرد که ارزش سرمایه گذار منفی نشود . در این گونه موارد استفاده از روش ارزش ویژه باید متوقف شود . استفاده مجدد از روش ارزش ویژه

منوط به گزارش سود توسط واحد سرمایه پذیر است ، مشروط بر آنکه سهم سرمایه گذار از سود مزبور از سهم وی از زیانهای مربوط به مدت زمانی که استفاده از روش ارزش ویژه متوقف شده ، تجاوز کند .

۱۲_ در مورد سرمایه گذاریهای کوتاه مدت (موقت) و آن گروه از سرمایه گذاریهای خارجی که نسبت به آنها محدودیت وجود دارد و سرمایه گذاری در واحدهای تجاری که فعالیت آنها با فعالیتهای واحد سرمایه پذیر به نحو قابل ملاحظه ای تفاوت دارد و ارائه اطلاعات جداگانه و مکمل نسبت به آنها مفیدتر خواهد بود، نباید از روش ارزش ویژه استفاده کرد.

۱۳- در صورتی که میزان سرمایه گذاری در سهام عادی به کمتر از ۲۰ درصد کاهش یابد، فرض بر این است که سرمایه گذار توانایی اعمال نفوذ قابل ملاحظه را از دست داده است. در این حالت استفاده از روش ویژه باید متوقف گردد که ارزش دفتری سرمایه گذاری هنگام توقف استفاده از روش ویژه، معرف بهای تمام شده گذاری است از تاریخ شناسائی سود سهام به عنوان در آمد بر اساس روش بهای تمام شده انجام می گیرد.

۱۴- در مواردی که میزان سرمایه گذاری کمتر از ۲۰ درصد است و پس از مدتی میزان سرمایه گذاری به بیش از ۲۰ درصد افزایش می یابد، حسابداری سرمایه گذاری باید با استفاده از روش ارزش ویژه بر مبنای تحصیل مرحله به مرحله از طریق عطف به ما سبق نمودن آن تعدیل شود در اینگونه موارد، ارزش دفتری سرمایه

گذاری باید خالص دارئیهای واحد سرمایه پذیر به منظور تعیین ارزش سرقفلی مقایسه گردد.

پیش فرض نفوذ قابل ملاحظه :

پیش فرض استانداردهای حسابداری در مورد ایجاد یکنواختی در کاربرد روش ارزش ویژه این است که سرمایه گذاری مستقیم یا غیر مستقیم در حداقل ۲۰ درصد سهام عادی سرمایه پذیر معرف امکان اعمال نفوذ ملاحظه بر خط مشی های مالی و عملیاتی واحد سرمایه پذیر خواهد بود . موارد زیر می تواند مصرف نمونه هائی از وجود نفوذ قابل ملاحظه واحد سرمایه گذار بر واحد سرمایه پذیر باشد :

- ۱_ وجود نماینده یا نمایندگان واحد سرمایه گذار در هیئت مدیره واحد سرمایه پذیر .
- ۲_ مشارکت واحد سرمایه گذار در سیاست های عملیاتی واحد سرمایه پذیر .
- ۳_ وجود معاملات با اهمیت بین واحد سرمایه گذار و واحد سرمایه پذیر .
- ۴_ تبادل مدیر بین واحد سرمایه گذار و واحد سرمایه گذار
- ۵_ وابستگی تکنولوژیک واحد سرمایه پذیر به واحد سرمایه گذار
- ۶_ قابل توجه بودن میزان سرمایه گذاری واحد سرمایه گذار در مقایسه با سایر

سهامداران

تعیین وجود نفوذ قابل ملاحظه واحد سرمایه گذار بر واحد سرمایه پذیر ممکن است مشکل باشد و به اعمال قضاوت حرفه ای نیاز داشته باشد. اما در استانداردهای حسابداری پیش فرض کلی در مورد وجود نفوذ قابل ملاحظه، سرمایه گذاری در حداقل ۲۰ درصد سهام دارای حق رای واحد سرمایه پذیر در نظر گرفته شده است مگر این که خلاف آن ثابت شود به علاوه در مواردی نیز علیرغم این که میزان سرمایه گذاری کمتر از ۲۰ درصد است، شرایط ممکن است حاکی از وجود نفوذ قابل ملاحظه واحد سرمایه گذار بر واحد سرمایه پذیر ممکن باشد.

بر عکس در مواردی ممکن است علیرغم این که سرمایه گذاری بیش از ۲۰ درصد است اما دلایل کافی در دست باشد که واحد سرمایه گذار نمی تواند بر خط مشی های مالی و عملیاتی سرمایه پذیر نفوذ قابل ملاحظه می تواند در مورد سرمایه گذاریهایی که میزان آنها کمتر از ۲۰ درصد است از طریق ارائه مدارک و شواهد کافی مصداق نداشته باشد. شرایط زیر ممکن است حاکی از این باشد که واحد سرمایه گذار نمی تواند بر خط مشی های مالی و عملیاتی واحد سرمایه پذیر نفوذ قابل ملاحظه ای اعمال کند.

۱_ بروز اختلاف نظر بین واحد سرمایه گذار و واحد سرمایه پذیر و کشیده شدن موضوع به دادگاه به طوری که واحد سرمایه گذار عملاً نفوذ قابل ملاحظه بر خط مشی ای مالی و عملیاتی واحد سرمایه پذیر را از دست می دهد .

۲_ وجود توافق بین واحد سرمایه گذار و واحد سرمایه پذیر که حاکی از عدم اعمال نفوذ قابل ملاحظه توسط واحد سرمایه گذار است . این توافقها اغلب به منظور حل اختلاف فیما بین به عمل می آید و ممکن است حاوی اطلاعاتی حاکی از اعمال یا عدم نفوذ قابل ملاحظه واحد سرمایه گذار بر واحد سرمایه پذیر باشد . موارد زیر نمونه هایی از توافقهای مزبور است :

الف - واحد سرمایه پذیر تقبل می کند که حداکثر کوشش خود را به عمل آورد تا واحد سرمایه گذار در هیئت مدیره واحد سرمایه پذیر نماینده داشته باشد .

ب _ واحد سرمایه گذار قبول می کند که در هیئت مدیره واحد سرمایه پذیر نماینده ای نداشته باشد .

ج _ واحد سرمایه پذیر ممکن است قبول کند که هماهنگی لازم را با سرمایه گذار به عمل آورد .

د _ واحد سرمایه گذار قبول می کند که میزان سرمایه گذاری در واحد سرمایه پذیر را محدود سازد .

ه _ واحد سرمایه گذار قبول می کند که از نفوذ خود در واحد سرمایه پذیر استفاده نکند .

و _ واحد سرمایه پذیر توانائی واحد سرمایه گذار را در اعمال نفوذ قابل ملاحظه تأیید یا رد کند .

چنانچه توافق فیما بین شامل مواردی باشد که موجب آنها واحد سرمایه گذار از برخی حقوق قابل ملاحظه خود به عنوان یک سهامدار عمده صرفه نظر کند ، نباید از روش ارزش ویژه استفاده شود .

۳ _ نفوذ قابل ملاحظه توسط تعداد قلیلی سهامدار که اکثریت سهام را در مالکیت خود دارند ، اعمال می گردد .

۴ _ واحد سرمایه گذار علیرغم تمامی کوششهای خود قادر به دستیابی به اطلاعات مورد نیاز جهت اعمال روش ارزش ویژه نیست . امتناع واحد سرمایه پذیر از ارائه اطلاعات مالی ضروری به واحد سرمایه گذار دلیلی است بر عدم وجود نفوذ قابل

ملاحظه بر خط مشی ای مالی و عملیاتی واحد سرمایه پذیر توسط سرمایه گذار و در نتیجه عدم قابلیت استفاده از روش ارزش ویژه در مورد سرمایه گذارهای مربوط .

۵ _ واحد سرمایه گذار علیرغم همه کوششها موفق به داشتن نماینده در هیئت مدیره نمی شود .

علاوه بر موارد بالا ، عوامل متعدد دیگری نیز وجود دارد که می تواند بر توانائی اعمال نفوذ قابل ملاحظه بر خط مشی های مالی و عملیاتی واحد سرمایه پذیر تاثیر گذارد . واحد سرمایه گذار باید تمامی شرایط موجود را به منظور تعیین عواملی که امکان اعمال نفوذ قابل ملاحظه در مورد سرمایه گذاریهای به میزان حداقل ۲۰ درصد را تحت تاثیر قرار دهد ، ارزیابی کند . از طرف دیگر واحد سرمایه گذار باید شرایط موجود در مورد سرمایه گذاریهای کمتر از ۲۰ درصد را نیز ارزیابی کند . زیرا این فرض که در مورد سرمایه گذاریهای کمتر از ۲۰ درصد نفوذ ملاحظه وجود ندارد .

ممکن است به دلایلی که معرف وجود نفوذ قابل ملاحظه است ، مصداق نداشته باشد .

تغییرات ناشی از رعایت استانداردهای حسابداری که به استفاده از روش ارزش ویژه مربوط می گردد . تغییرات حسابداری تلقی نمی شود . نحوه حسابداری اینگونه تغییرات به شرح زیر است :

۱_ اگر میزان سرمایه گذاری در سهام واحد سرمایه پذیر به کمتر از ۲۰ درصد کاهش یابد یا شواهد و مدارک موجود حاکی از این باشد که واحد سرمایه گذار دیگر نفوذی بر سیاستهای عملیاتی واحد سرمایه پذیر ندارد ، پیش فرض نفوذ قابل ملاحظه مصداق نخواهد داشت و استفاده از روش ارزش ویژه باید متوقف شود .

۲_ واحد سرمایه گذاری که به دلایلی امکان اعمال نفوذ اهل ملاحظه در واحد سرمایه پذیر را به دست می آورد. یا میزان سرمایه گذاری آن در واحد سرمایه پذیر به بیشتر از ۲۰ درصد افزایش می یابد، حسابهای مربوط به سرمایه گذاری را باید از طریق عطف به ماسبق نمودن روش ارزش ویژه بر مبنای تحصیل مرحله سرمایه گذاری تعدیل کند. در اینگونه موارد ارزش دفتری سرمایه گذاری در هر مرحله باید با اصل خالص دارائیهای واحد سرمایه پذیر به منظور تعیین سرقفلی مقایسه شود.

چند مورد در رابطه با بکارگیری روش ارزش ویژه :

در ارتباط با بکارگیری روش ارزش ویژه در مورد سرمایه گذاریهای بلند مدت غالباً دو مساله مطرح می شود. مساله اول نحوه برخورد یا سود (یا زیان) ناشی از معاملات بین واحدها می باشد که باید تا زمان تحقق آن یعنی وقوع مبادله با سایر واحدهای غیر وابسته، از سود و زیان واحد سرمایه پذیر حذف شود. مساله دوم مربوط به تفاوت بین بهای تمام شده سرمایه گذاری و سهم واحد سرمایه گذار از ارزش دفتری خالص دارائیهای واحد سرمایه پذیر است در این حالت تعدیلات لازم باید در حساب در آمد سرمایه گذاری انجام شود. این تفاوت به یکی از دو شکل زیر مطرح می شود

:

۱_ مازاد بهای تمام شده سرمایه گذاری بر ارزش دفتری خالص دارائیهها . غالباً واحد سرمایه گذار برای خرید سهام واحد سرمایه پذیر مبلغی بیش از ارزش دفتری خالص دارائیههای مورد سرمایه گذاری پرداخت می کند . زیرا ممکن است ارزش متعارف دارائیههای واحد سرمایه پذیر از ارزش دفتری آنها بیشتر یا واحد سرمایه پذیر دارای سرقفلی ثبت نشده در حسابها باشد . به هر حال ، در روش ارزش ویژه مازاد بهای تمام شده سرمایه گذاری نسبت به سهم واحد سرمایه گذار از ارزش دفتری خالص دارائیههای واحد سرمایه پذیر باید طی سنوات باقیمانده عمر مفید دارائیههایی که کمتر از میزان واقع ارزیابی شده اند . (یا دارائیههای که در حسابها ثبت نشده اند) مستهلک شود .

نحوه برخورد حسابداری با این مازاد ، در مثال ارائه شده در صفحات بعد به تفصیل تشریح شده است .

در صورتیکه مازاد تمام شده سرمایه گذاری نسبت به ارزش دفتری خالص دارائیههای تحصیل شده ناشی از سرقفلی باشد ، مبلغ مازاد باید طی سنوات عمر مفید برآوردی سرقفلی مستهلک شود . طبق استانداردهای حسابداری ، سرقفلی باید طی یک دوره زمانی که از ۴۰ سال تجاوز نمی کند مستهلک گردد .

اگر مبلغ مزاد با اهمیت نباشد به جای این که به دارائیهای خاصی ارتباط داده شود ، باید کلا به عنوان سرقفلی مستهلک شود .

۲_ مزاد ارزش دفتری خالص دارائیهای بر بهای تمام شده سرمایه گذاری

، در برخی موارد ، واحد سرمایه گذار ممکن است برای خرید سهام عادی واحد سرمایه پذیر مبلغی کمتر از ارزش دفتری خالص دارائیهای تحصیل شده پرداخت کند. در این حالت باید فرض شود که مبلغ ثبت شده برخی از دارائیهای واحد سرمایه پذیر در حسابها ، بیشتر از واقع است . اگر دارائیهای مزبور که به مبلغی بیشتر از واقع

در حسابها ثبت شده است دارای عمر مفید محدود باشد ، واحد سرمایه گذار باید مبلغ مزاد را طی سنوات عمر مفید آن دارائیهها سرشکن و به حساب در آمد سرمایه گذاری بستانکار و به حساب سرمایه گذاری بدهکار کند . ثبت روزنامه مربوط به

شرح زیر است :

سرمایه گذاری در سهام عادی واحد سرمایه پذیر ****

در آمد سرمایه گذاری - عادی ****

تعدیل در آمد سرمایه گذاری بابت تخصیص مبلغ مزاد

ملاحظه می شود که این تعدیل باعث افزایش در آمد سرمایه گذاری می گردد دلیل این موضوع آن است که سود خالص گزارش شده توسط واحد سرمایه پذیر به دلیل

ارائه بیش از واقع برخی از دارائیهای استهلاک پذیر و در نتیجه احتساب بیش از واقع هزینه استهلاک دارائیهای مزبور ، کمتر از میزان واقع محاسبه شده است .

تشریح روش ارزش ویژه

نحوه بکارگیری روش ارزش ویژه در مورد حسابداری سرمایه گذاری های بلند مدت از طریق مثالهای زیر تشریح می شود :

مثال (۱) : شرکت خراسان ۴۰ درصد سهام عادی شرکت تهران را به مبلغ ۳۰۰٫۰۰۰ ریال خریداری کرده است .

این مبلغ معادل ارزش دفتری خالص دارائیهای تحصیل شده شرکت تهران است .

سود خالص شرکت تهران طی دوره حسابداری بعد مبلغ ۷۰٫۰۰۰ ریال (شامل ۱۰٫۰۰۰ ریال سود غیر متزقبه)

گزارش شده است . سود سهام پرداخت شده توسط شرکت تهران بالغ بر ۳۰٫۰۰۰

ریال است ثبتهای لازم در مورد سرمایه گذاری شرکت خراسان در شرکت تهران با

استفاده از روش ارزش ویژه به شرح زیر خواهد بود :

سرمایه گذاری در سهام عادی شرکت تهران ۳۰۰٫۰۰۰

بانک ۳۰۰٫۰۰۰

ثبت سرمایه گذاری در ۴۰ درصد سهام عادی شرکت تهران

سرمایه گذاری در سهام عادی شرکت تهران ۲۸٫۰۰۰

سود سرمایه گذاری - عادی ۲۴ر۰۰۰

ثبت ۴۰ درصد سود خالص شرکت تهران

بانک ۱۲ر۰۰۰

سرمایه گذاری در سهام عادی شرکت تهران ۱۲ر۰۰۰

ثبت سود سهام دریافتی از شرکت تهران

ملاحظه می شود که نتیجه ثبتهای فوق در مورد سود خالص و سود سهام پرداختی

شرکت تهران ، افزایش ارزش سرمایه گذاری به میزان ۱۶ر۰۰۰ ریال است که

افزایش ناشی از ۴۰ درصد افزایش در خالص داراییهای شرکت تهران است .

مثال (۲) : شرکت خراسان در تاریخ ۱/۱/۱۳× تعداد ۱۸۰۰ سهم از سهام عادی

شرکت الف (معادل ۲۰ درصد سهام عادی آن) را به مبلغ ۳ر۰۰۰ر۰۰۰ ریال

خریداری کرد . سرمایه گذار با توجه به این میزان سرمایه گذاری می تواند بر خط

مشی های مالی و عملیاتی واحد سرمایه پذیر نفوذ قابل ملاحظه داشته باشد . اطلاعات

مربوط به شرکت سرمایه پذیر در تاریخ ۱۳×۱/۱/۱ به شرح زیر است :

خلاصه صورت حساب سود و زیان واحد سرمایه پذیر برای سال مالی منتهی به

۱۳×۱/۱۲/۲۹ به شرح زیر است :

ارزش دفتری ارزش بازار

ریال

ریال

موجودی کالا (روش fifo)

۴۰۵۰۰۰۰۰

۴۰۰۰۰۰۰۰

زمین

۱۶۵۰۰۰۰۰

۱۵۰۰۰۰۰۰

اموال ، ماشین آلات و تجهیزات پس از کسر

۷۰۰۰۰۰۰۰

استهلاک (باقیمانده عمر مفید ده سال)

۱۲۷۰۰۰۰۰۰

۱۰۵۰۰۰۰۰۰

جمع دارائیهها

۵۰۰۰۰۰۰

۵۰۰۰۰۰۰

بدهیها

حقوق صاحبان سهام:

۹۰۰۰۰۰۰۰

سرمایه - ۹۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی

۱۰۰۰۰۰۰۰

سود (زیان) انباشته

خلاصه صورت حساب سود و زیان واحد سرمایه پذیر برای سال مالی منتهی به

13×1/12/29 به شرح زیر است:

ریال

۸۰۰٫۰۰۰

سود قبل از اقلام غیر مترقبه

۲۰۰٫۰۰۰

سود غیر مترقبه (کمک بلاعوض دولت)

۱٫۰۰۰٫۰۰۰

سود (زیان) خالص

جمع سود سهام اعلام و پرداخت شده طی سال 13×1 بالغ بر ۵۰۰٫۰۰۰ ریال بوده است .

حل : الف – محاسبه سرقفلی خریداری شده :

روش اول – طبق روش ابتدا مازاد بهای تمام شده سرمایه گذاری نسبت به سهم

واحد سرمایه گذار از ارزش دفتری خالص دارائیهای واحد سرمایه پذیر محاسبه

می گردد و سپس با توجه به میزان سرمایه گذاری ، ارزش جاری و ارزش دفتری هر

یک از دارائیهای قابل شناسائی ، سرقفلی خریداری شده محاسبه می گردد .

محاسبه سرقفلی خریداری شده با استفاده از اطلاعات مثال مورد بحث ، طبق این

روش به شرح زیر است :

ارزش دفتری خالص دارائیهها $10,000,000 - 5,000,000 = 10,500,000$

ارزش سرمایه گذاری با توجه به ارزش دفتری خالص

دارائیهها $10,000,000 \times 20\% = 2,000,000$

مازاد بهای تمام شده سرمایه گذاری نسبت به سهم

واحد سرمایه گذار از ارزش دفتری خالص دارائیهها

$$۳,۰۰۰,۰۰۰ - ۲,۰۰۰,۰۰۰ = ۱,۰۰۰,۰۰۰$$

مازاد ارزش بازار ارزش دفتری

(۱) (۲) (۱)-(۲)

موجودیهای کالا ۴,۰۵۰,۰۰۰ ۴,۰۰۰,۰۰۰ ۵۰,۰۰۰

زمین ۱,۶۵۰,۰۰۰ ۱,۵۰۰,۰۰۰ ۱۵۰,۰۰۰

اموال ، ماشین آلات و تجهیزات ۷,۰۰۰,۰۰۰ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ۲,۰۰۰,۰۰۰

میزان سرمایه گذاری در سهام عادی ۲۰٪

سهام سرمایه گذاری از مازاد قیمت بازار به ارزش دفتری

دارائیهها ۴۴۰,۰۰۰

مازاد بهای تمام شده سرمایه گذاری نسبت به ارزش

دفتر خالص ۱,۰۰۰,۰۰۰

سرقفلی خریداری شده ۵۶۰,۰۰۰

روش دوم - طبق این روش سرقفلی خریداری شده از مقایسه بهای تمام شده سرمایه گذاری و سهم واحد سرمایه گذار از ارزش بازار خالص دارائیهای واحد سرمایه پذیر محاسبه می گردد .

ریال	ریال
۳,۰۰۰,۰۰۰	بهای تمام شده سرمایه گذاری
۱۲,۷۰۰,۰۰۰	ارزش بازار دارائیهای واحد سرمایه پذیر
۵۰۰,۰۰۰	کسر می شود : بدهیهای واحد سرمایه پذیر
۱۲,۲۰۰,۰۰۰	ارزش بازار خالص دارائیهای واحد سرمایه پذیر
٪۲۰	میزان سرمایه گذاری
۲,۴۴۰,۰۰۰	سهم واحد سرمایه گذار از ارزش بازار خالص دارائیها
۵۶۰,۰۰۰	سرقفلی خریداری شده
ب - ثبهای روزنامه و حسابهای T مربوط از نظر واحد سرمایه گذار .	

۱_ ثبت تحصیل سرمایه گذاری در $13 \times 1/1/1$:

سرمایه گذاریهای بلند - مدت سرمایه گذاری در

سهام عادی شرکت الف ۳,۰۰۰,۰۰۰

بانک ۳,۰۰۰,۰۰۰

۲_ ثبت شناسائی در آمد سرمایه گذاری و افزایش در حساب سرمایه گذاری متناسب

با سهم شرکت خراسان از سود گزارش شده الف در $13 \times 1/12/29$:

سرمایه گذاریهای بلند مدت - سرمایه گذاری در

سهم عادی شرکت الف ۲۲۰,۰۰۰

در آمد سرمایه گذاری - عادی ۱۶۰,۰۰۰

در آمد سرمایه گذاری - غیر مترقبه ۶۰,۰۰۰

۳_ ثبت سود سهام دریافتی:

بانک ۱۰۰,۰۰۰

سرمایه گذاری بلند مدت - سرمایه گذاری

در سهم عادی شرکت الف ۱۰۰,۰۰۰

۴_ ثبت استهلاك افزایش قیمت دارائیهای استهلاك پذیر:

در آمد سرمایه گذاری ۴۰,۰۰۰

سرمایه گذاری بلند مدت - سرمایه گذاری

در شرکت الف ۴۰,۰۰۰

۵_ ثبت استهلاك سالانه سرقفلی خریداری شده:

در آمد سرمایه گذاری (۴۰-۵۶۰٫۰۰۰٫۰۰۰)

سرمایه گذاری های بلند مدت - سرمایه گذاری ۱۴٫۰۰۰

در سهام عادی شرکت الف

۶_ ثبت بهای تمام شده کالای فروش رفته اضافی که ناشی از مازاد قیمت بازار

موجودیهای کالای شرکت الف به ارزش دفتری آن است (فرض شود که کالاهای

سال 13×1 به فروش رسیده است .):

در آمد سرمایه گذاری ۱۰٫۰۰۰

سرمایه گذاریهای بلند مدت - سرمایه گذاری

در سهام عادی شرکت الف ۱۰٫۰۰۰

۷_ حسابهای مربوط در دفتر کل شرکت خراسان به شرح زیر خواهد بود (شماره

های عطف در حسابهای مزبور به شماره ثبتها اشاره دارد):

سرمایه گذاریهای بلند مدت

سرمایه گذاری در سهام عادی شرکت الف

۱- بهای تمام شده سرمایه گذاری ۳,۰۰۰,۰۰۰	۳- سود سهام دریافتی ۱,۰۰۰,۰۰۰
۲- سهم از سود خالص گزارش شده ۲۲۰,۰۰۰	۴- استهلاك مازاد مربوط به اموال ماشین آلات و تجهیزات ۴۰,۰۰۰
مانده ن / ب ۳,۲۲۰,۰۰۰	۵- استهلاك سرقفلی ۱۴,۰۰۰
ن / ب ۳,۰۵۶,۰۰۰	۶- بهای تمام شده کالای فروش رفته ۱,۰۰۰,۰۰۰
در آمد سرمایه گذاری	
۴- استهلاك مازاد مربوط به اموال ، ماشین آلات و تجهیزات ۴۰,۰۰۰	۲- سود گزارش شده ۱۶۰,۰۰۰
۵- استهلاك سرقفلی ۱۴,۰۰۰	
۶- بهای تمام شده کالای فروش رفته ۱,۰۰۰,۰۰۰	
مانده نقل به سود و زیان ۹۶,۰۰۰	
۱۶۰,۰۰۰	
در آمد غیر مترقبه	
۲- در آمد غیر مترقبه گزارش شده ۶۰,۰۰۰	

بخشی از صورتهای مالی شرکت خراسان در تاریخ 13×1/12/29 :

ترازنامه :

سرمایه گذاریهای بلند مدت - سرمایه گذاری

در سهام عادی شرکت الف ۳,۰۵۶,۰۰۰

صورت حساب سودو زیان :

(با استفاده از روش ارزش ویژه) ۹۶,۰۰۰

در آمد سرمایه گذاری - غیر مترقبه ۶۰,۰۰۰

مانده حساب سرمایه گذاری در پایان سال 13×1 معرف سهم تعدی شده واحد سرمایه

گذار از ارزش دفتری خالص داراییهای واحد سرمایه پذیر است . روش ارزش ویژه از

نقطه نظر واحد سرمایه گذار با روش بهای تمام شده تفاوت دارد زیرا دو روش مزبور

بر دو مفهوم متفاوت از (۱) ارزیابی سرمایه گذاری و (۲) شناسائی در آمد ، مبتنی

است تفاوت ضمنی دو روش مزبور این است که در روش ارزش ویژه واحدهای

سرمایه گذار و سرمایه پذیر از لحاظ اهداف ارزیابی سرمایه گذاری و شناسائی در

آمد به عنوان یک شخصیت حسابداری یگانه تلقی می شوند .

روش بهای تمام شده در مورد سرمایه گذاریهای بکار گرفته می شود که هدف ایجاد

یا گسترش روابط و مناسبات تجاری با واحد سرمایه پذیر نیست .

اگر واحد سرمایه گذار نتواند بر خط مشی های عملیاتی و مالی واحد سرمایه پذیر نفوذ قابل ملاحظه ای اعمال کند، روش بهای تمام شده باید مورد استفاده قرار گیرد. در مثال بالا اگر روش بهای تمام شده مورد استفاده قرار می گرفت ارزش سرمایه گذاری در صورتهای مالی باید به همان مبلغ اولیه (۳۰۰۰ ریال) گزارش می شد که مبلغ ۵۶۰۰ ریال از روش ارزش ویژه کمتر می بود. همچنین طبق روش بهای تمام شده، در آمد سرمایه گذاری باید معادل سود سهام دریافتی (۱۰۰۰ ریال) ثبت و گزارش نمود که این مبلغ نیز معادل ۵۶۰۰ ریال (۱۰۰۰-۱۵۶۰۰) کمتر از مبلغی است که طبق روش ارزش ویژه گزارش شده است.

مقایسه روش بهای تمام شده و روش ارزش ویژه:

برای تشریح تفاوت بین روش بهای تمام شده و روش ارزش ویژه فرض کنید که شرکت خراسان در دوم فروردین ۱۳۰۱، ۴۰۰۰ سهم عادی (۲۰ درصد) شرکت ب را به مبلغ ۱۰۰۰ ریال خریداری کرده است. ارزش دفتری خالص داراییهای شرکت ب در تاریخ سرمایه گذاری بالغ بر ۴۵۵۰ ریال بوده است شرکت خراسان مایل به پرداخت مبلغی بیش از روش دفتری خالص داراییها است زیرا، برآورد کرده است. که قیمت بازار زمینهای شرکت ب ۱۰۰۰ ریال و ارزش جاری ماشین آلات و تاسیسات (داراییهای استهلاک پذیر) شرکت ب ۱۵۰۰

ریال از ارزش دفتری آنها بیشتر است . سرقفلی شرکت ب به میزانی است که ۲۰ درصد ارزش دفتری خالص دارائیهها و مبلغ سرقفلی بالغ بر ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال می گردد

مآزاد بهای تمام شده سرمایه گذاری نسبت به ارزش دفتری خالص دارائیههای تحصیل شده با استفاده از روش ارزش ویژه به شرح زیر تجزیه و تحلیل می شود :

ریال

بهای تمام شده سرمایه گذاری ۱,۰۰۰,۰۰۰

ارزش دفتری خالص دارائیههای تحصیل شده $4,550,000 \times 20\%$

۹۱۰,۰۰۰

مآزاد بهای تمام شده نسبت به ارزش دفتری خالص دارائیههای تحصیل شده

۹۰,۰۰۰

مآزاد بهای تمام شده سرمایه گذاری از ارقام زیر تشکیل شده است :

۲۰ درصد از مبلغ زمین که کمتر ارزیابی شده است $(100,000 \times 20\%)$

۳۰,۰۰۰

سرقفلی $(۳۰,۰۰۰ - ۲۰,۰۰۰ - ۹۰,۰۰۰)$ ۴۰,۰۰۰

مآزاد بهای تمام شده سرمایه گذاری نسبت به ارزش دفتری خالص دارائیههای

۹۰٫۰۰۰

تحصیل شده

میانگین سنوات باقیمانده عمر مفید دارائیهای استهلاک پذیر که ارزش آنها کمتر از

میزان واقع نشان داده شده ده سال می باشد و روش شرکت خراسان در ارتباط با

سرقفلی آن است که دارائی مزبور طی مدت ۴۰ سال مستهلک گردد .

شرکت ب سود خالص سال 13×1 را پس از کسر $50,000$ ریال زیان غیر مترقبه

به مبلغ $430,000$

ریال گزارش کرده و سود سهام در پایان سال 13×1 به مبلغ $200,000$ ریال اعلام و

پرداخت نموده است .

نحوه حسابداری شرکت خراسان در مورد سرمایه گذاری در شرکت ب طبق روش

بهای تمام شده و روش ارزش ویژه به شکل مقایسه ای در صفحه بعد نشان داده شده

است .

لازم به توجه است که در هیچ یک از روشهای بهام تمام شده یا ارزش ویژه تعدیلی

بابت بخشی از مازاد بهای تمام شده سرمایه گذاری نسبت به خالص ارزش دفتری آن

گروه از دارائیهای تحصیل شده که استهلاک پذیر نمی باشد . نظیر زمین انجام

نمی گیرد خلاصه نتایج سال جاری (13×1) طبق روش بهای تمام شده و روش ارزش

ویژه به شرح زیر است :

روش بهای تمام شده روش ارزش ویژه

ریال

ریال

سرمایه گذاری در سهام عادی شرکت ب

۱,۰۴۲,۰۰۰

۱,۰۰۰,۰۰۰

(مانده پایان دوره)

سود (زیان) سرمایه گذاری که توسط شرکت خراسان

شناسائی شده است .

۹۶,۰۰۰

۴۰,۰۰۰

سود - عادی

(۱۰,۰۰۰)

زیان - غیر مترقبه

تغییر از ارزش ویژه:

چنانچه میزان نفوذ یا درصد سرمایه گذاری به حدی کاهش یابد که دیگر نتوان روش

ارزش ویژه را به کار گرفت باید به جای آن روش بهای تمام شده با توجه به قاعده

اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار استفاده شود . اقلامی که بر اساس استفاده از روش

ارزش ویژه قبلا در آمد یا هزینه شناسائی شده و در حساب سرمایه گذاری منعکس

شده است باید به عنوان بخشی از ارزش دفتری سرمایه گذاری ، بدون تغییر باقی بماند

. بنابراین ، از روش ارزش ویژه به روش بهای تمام شده مستلزم بکارگیری عطف

بمسابقه روش جدید نمی باشد . در نتیجه نیازی نیست که حساب سرمایه گذاری ارائه مجدد شود .

آن قسمت از سود سهام که در دوره های بعد از تغییر روش توسط واحد سرمایه گذار دریافت می شود و از سهم واحد سرمایه گذار از سود خالص گزارش شده واحد سرمایه پذیر برای دوره های مزبور بیشتر است باید به جای تلقی به عنوان در آمد به منزله کاهش در ارزش دفتری سرمایه گذاریها محسوب شود.

مثال : شرکت ایران در تاریخ 13×1/1/1 تعداد ۲۵۰٫۰۰۰ سهم (۲۵ درصد) از سهام

عادی شرکت الف را به مبلغ ۸٫۵۰۰٫۰۰۰ ریال خریداری کرد . خالص ارزش

دفتری دارائیهای شرکت الف در 13×1/1/1 بالغ بر ۳۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال است . مازاد

بهای تمام شده سرمایه گذاری شرکت خراسان نسبت به سهم واحد سرمایه گذار از

ارزش دفتری خالص دارائیهای تحصیل شده بالغ بر ۱۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال است که

۴۰۰٫۰۰۰ ریال آن مربوط به سرقفلی و ۶۰۰٫۰۰۰ ریال باقی مانده مربوط به دارائیهای

استهلاک پذیر است که کمتر از ارزش واقعی در دفاتر منعکس شده است . عمر مفید

باقی مانده دارائیهای مزبور ده سال برآورد شده است و تصمیم گرفته شد سرقفلی طی

مدت ۴۰ سال مستهلک شود . سود خالص گزارش شده شرکت الف برای سال 13×1

بالغ بر ۲٫۸۰۰٫۰۰۰ ریال بوده است که شامل ۴۰۰٫۰۰۰ ریال زیان غیر مترقبه

می باشد. سود سهام در تاریخ 13×1/6/31 به مبلغ ۶۰۰٫۰۰۰ ریال و در تاریخ

13×1/12/29 به مبلغ ۸۰۰٫۰۰۰ ریال اعلام و پرداخت شده است. شرکت الف در

تاریخ 13×2/1/2 سرمایه خود را به میزان ۱۵۰۰٫۰۰۰ سهم افزایش داد. شرکت

خراسان حاضر به خرید سهام جدید شرکت الف نشد و دثر نتیجه سهم آن در شرکت

مزبور از ۲۵ درصد به ۱۰ درصد کاهش یافت. خلاصه اطلاعات مربوط به سود و

زیان برای سالهای 13×2 لغایت 13×4 به شرح زیر است:

تاریخ	سرمایه پذیر (شرکت الف)	سرمایه گذار (شرکت خراسان)	سود سهام دریافتی توسط واحد	سهم واحد سرمایه گذار (شرکت)
13×2	۶۰۰٫۰۰۰	۴۰۰٫۰۰۰		
13×3	۳۵۰٫۰۰۰	۴۰۰٫۰۰۰		
13×4	(۲۰۰٫۰۰۰)	۳۰۰٫۰۰۰		

حل : با توجه به افزایش سرمایه توسط شرکت الف و در نتیجه کاهش درصد سرمایه گذاری شرکت خراسان در سهام شرکت مزبور روش مورد استفاده (ارزش ویژه) به روش بهای تمام شده تغییر می یابد . بنابراین ارزش دفتری سرمایه گذاری با توجه به روش جدید به شرح زیر گزارش می گردد :

در پایان سال		نسبت به سود سهام دریافتی		شده	
مازاد انباشته سهم واحد سرمایه گذار					
سال	سود سهام شناسایی شده	از سود (زیان) واحد سرمایه پذیر	ارزش سرمایه گذاری	در پایان سال	ریال
13×2	۴۰۰٫۰۰۰	۲۰۰٫۰۰۰	۸٫۷۸۰٫۰۰۰	۸٫۷۸۰٫۰۰۰	ریال
13×3	۴۰۰٫۰۰۰	۱۵۰٫۰۰۰	۸٫۷۸۰٫۰۰۰	۸٫۷۸۰٫۰۰۰	ریال
13×3	-	۳۵۰٫۰۰۰	۸٫۴۳۰٫۰۰۰	۸٫۴۳۰٫۰۰۰	ریال

$$۶۰۰٫۰۰۰ - ۴۰۰٫۰۰۰ = ۲۰۰٫۰۰۰ \quad (۲)$$

$$۳۵۰٫۰۰۰ - ۴۰۰٫۰۰۰ + ۲۰۰٫۰۰۰ = ۱۵۰٫۰۰۰ \quad (۳)$$

$$۱۵۰٫۰۰۰ - ۲۰۰٫۰۰۰ - ۳۰۰٫۰۰۰ = (۳۵۰٫۰۰۰) \quad (۳)$$

$$۸٫۷۸۰٫۰۰۰ - ۳۵۰٫۰۰۰ = ۸٫۴۳۰٫۰۰۰ \quad (۴)$$

نحوه محاسبه ارزش سرمایه گذاری در پایان سال 13×1 به شرح زیر است :

ریال

۸٫۵۰۰٫۰۰۰

بهای تمام شده سرمایه گذاری

استهلاک سرقفلی و اضافه ارزیابی دارائیهای استهلاک پذیر ۷۰,۰۰۰

۷۰۰,۰۰۰

سهم از خالص سود گزارش شده سال

۳۵۰,۰۰۰

سود سهام دریافتی

۸۸۷۰,۰۰۰

ارزش سرمایه گذاری در 13×2/12/29

بنابراین ، هنگامی که تغییری از روش ارزش ویژه به روش بهای تمام شده صورت می گیرد . مبنای بهای تمام شده برای مقاصد حسابداری همان ارزش دفتری سرمایه گذاری در تاریخ تغییر است .

تغییر به روش ارزش ویژه :

سرمایه گذاری در سهام عادی که به وسیله روشی غیر از روش ویژه ثبت و گزارش می شود ممکن است به دلیل افزایش میزان سرمایه گذاری ، شایط لازم برای بکارگیری روش ارزش ویژه توسط واحد سرمایه گذار ، فراهم شود . تغییر به روش ارزش ویژه مستلزم تعدیل ارزش دفتری سرمایه گذاری نتایج عملیات (دوره جاری و دوره های قبل) سودهای انباشته سرمایه گذاری از طریق بکارگیری عطف به ماسبق روش جدید (با فرض که روش ارزش ویژه در تمامی دوره های قبل مورد استفاده بوده است) خواهد بود .

مثال : شرکت خراسان در تاریخ 13×1/1/2 ده درصد سهام شرکت الف را به مبلغ

۵۰۰,۰۰۰ ریال خریداری می کند ارز دفتری خالص دارائیهای شرکت الف در تاریخ

مزبور بالغ بر ۳۰۰۰۰۰ ریال بوده است. مزاد بهای تمام شده سرمایه گذاری نسبت به ارزش دفتری خالص دارائیهای تحصیل شده شرکت الف مربوط به سرقفلی است که طی ۴۰ سال مستهلک می گردد. شرکت خراسان در تاریخ $13 \times 1/1/2$ بیست در صد دیگر از سهام عادی شرکت الف را به مبلغ ۱۲۰۰۰۰۰ ریال خریداری می کند. خالص ارزش دفتری دارائیهای شرکت الف در تاریخ مزبور ۴۰۰۰۰۰ ریال می باشد. سود خالص و سود سهام پرداختی شرکتی الف طی سالهای 13×1 لغایت 13×3 به شرح زیر است:

سود سهام پرداختی به

سال	سود خالص	شرکت خراسان
	ریال	ریال
13×1	۵۰۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰
13×2	۱,۰۰۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰
13×3	۱,۲۰۰,۰۰۰	۱۲۰,۰۰۰

حل: با توجه به خرید سهام در $13 \times 3/2/1$ سرمایه گذاری شرکت خراسان در شرکت الف به ۳۰ درصد افزایش می یابد. بنابراین شرکت سرمایه گذار پس از تحصیل سهام جدید لازم است از روش ویژه استفاده کند. ثبتهای حسابداری از تاریخ $13 \times 1/1/2$

لغایت 13×3/12/29 که بیانگر ثبت عملیات بالا و تغییر از روش بهای تمام شده به روش ارزش ویژه به شرح زیر می باشد:

(۱) ثبت خرید ۱۰ درصد سهام شرکت الف در 13×1/1/2:

سرمایه گذاری در سهام شرکت الف ۵۰۰٫۰۰۰

بانک ۵۰۰٫۰۰۰

(۲) ثبت دریافت سود سهام از شرکت الف در تاریخ 13×1/12/29:

بانک ۲۰٫۰۰۰

در آمد سرمایه گذاری - سود سهام ۲۰٫۰۰۰

(۳) ثبت دریافت سود سهام از شرکت الف در تاریخ 13×2/12/29:

بانک ۳۰٫۰۰۰

در آمد سرمایه گذاری - سود سهام ۳۰٫۰۰۰

(۴) ثبت سرمایه گذاری اضافی در سهام شرکت الف و انعکاس اثرات اعمال عطف به

ماسبق روش جدید (ارزش ویژه):

سرمایه گذاری در سهام شرکت الف ۱٫۲۹۰٫۰۰۰

بانک ۱٫۲۰۰٫۰۰۰

سود (زیان) انباشته ۹۰٫۰۰۰

نحوه محاسبه تعدیل سود (زیان) انباشته به مبلغ ۹۰,۰۰۰ ریال به شرح زیر است :

13×1 13×2 جمع

ریال ریال ریال

سهام شرکت خراسان از سود خالص گزارش شده شرکت

الف (۱۰٪) ۵۰,۰۰۰ ۱۰۰,۰۰۰ ۱۵۰,۰۰۰

استهلاک مازاد بهای تمام شده سرمایه گذاری در

سهام شرکت الف

{(500,000 - 10% × 3,000,000) / 40} (۵,۰۰۰) (۵,۰۰۰) (۱۰,۰۰۰)

سود سهام دریافتی (۲۰,۰۰۰) (۳۰,۰۰۰) (۵۰,۰۰۰)

تعدیل سنوات قبل ۲۵,۰۰۰ ۶۵,۰۰۰ ۹۰,۰۰۰

(۵) ثبت سهم شرکت خراسان از سود خالص گزارش شده شرکت الف

(1,200,000 × 30%)

پس از کسر ۱۵۰,۰۰۰ ریال استهلاک سرقفلی در تاریخ 13×3/12/29

۳۴۵,۰۰۰ سرمایه گذاری در سهام شرکت

۳۴۵,۰۰۰ در آمد سرمایه گذاری

(۶) ثبت دریافت سود سهام از شرکت الف

۱۲۰٫۰۰۰

بانک

۱۲۰٫۰۰۰ سرمایه گذاری در سهام شرکت الف

تغییر به روش ارزش با ایجاد حسابهای مربوط به سرمایه گذاری و با فرض آنکه در گذشته نیز از روش ارزش ویژه برای حسابداری سرمایه گذاریها استفاده می شده است ، صورت می گیرد .

ضرورت‌های افشاء هنگام استفاده از روش ویژه

در ارزیابی اطلاعاتی که باید افشاء شود توجه به اهمیت سرمایه گذاری از لحاظ تاثیر

بر وضعیت مالی و نتایج عملیات واحد سرمایه گذار و واحد سرمایه پذیر ضروری

است ، طبق استانداردهای حسابداری (۱) موارد زیر باید در صورتهای مالی واحد

سرمایه گذار که بای حسابداری رمایه گذاریهای خود از روش ویژه استفاده می کند

افشاء شود :

۱_ نام هر یک از واحدهای سرمایه پذیر و میزان سرمایه گذاری در هر یک

۲_ روش حسابداری واحد سرمایه گذار در مورد سرمایه در سهام عادی (روش

ارزش ویژه)

۳_ هر گونه تفاوت بین ارزش دفتری سرمایه گذاری طبق دفاتر و سهم سرمایه گذار از ارزش دفتری خالص دارائیهای واحد سرمایه پذیر و نحوه عمل حسابداری تفاوت مزبور .

۴_ ارزش جاری هر یک از سرمایه گذاریها (در صورت امکان) ، مگر آنکه سرمایه پذیر واحد فرعی باشد .

۵_ هنگامی که میزان سرمایه گذاری ۲۰ درصد یا بیشتر است و این سرمایه گذاری از لحاظ تاثیر بر وضعیت مالی و نتایج برای واحد سرمایه گذار با اهمیت محسوب می شود . ارائه اطلاعات مختصری در مورد دارائیهها ، بدهیها و نتایج عملیات واحد سرمایه پذیر ممکن است ضروری باشد .

۶_ تاثیر با اهمیت هر گونه اوراق بهادار قابل تبدیل به سهام واحد سرمایه پذیر بر میزان سرمایه گذاری واحد سرمایه گذار .

به علاوه ، دلایل عدم استفاده از روش ارزش بویژه هنگامی که میزان سرمایه گذاری ۲۰ درصد یا بیشتر است و یا استفاده از روی ارزش ویژه در مواردی که میزان سرمایه گذاری کمتر از ۲۰ درصد است نیز باید افشاء شود .

روش ارزش بازار:

اصولا روش ارزش بازار در مورد حسابداری سرمایه گذاریهای بلند مدت از سایر روشها متفاوت است. روش ارزش بازار بر مفهوم حسابداری ارزشهای جاری مبتنی است به عبارت دیگر، هر یک از سرمایه گذاریها در تاریخ ترانزاکشن (در پایان هر دوره مالی) با توجه به قیمت بازار اوراق بهادار در آن زمن ارزیابی می گردد. و در آمد سرمایه گذاری برای هر دوره شامل سود سهام دریافتی به اضافه یا منهای تغییرات در قیمت بازار اوراق بهادار مورد سرمایه گذاری می باشد.

بسیاری از حسابداران عقیده دارند که روش ارزش جاری در مورد تمامی اوراق بهادار، اعم از کوتاه مدت یا بلند مدت، باید اعمال گردد.

زیرا اطلاعات ارزش بازار (الف) پیامدهای اقتصادی ناشی از نگاهداری سرمایه گذاری را ارائه می دهد، (ب) برای تصمیم گیرندگان نسبت به اطلاعات بهای تمام شده و ارزش ویژه در ترسیم جریانهای آتی وجوه نقد سودمند تر است و (ج) در مورد غلب سهام و اوراق بهادار به طور عینی قابل تعیین است.

در حال حاضر، به استثنای برخی شرایط خاص، روش ارزش بازار در زمره اصول و روشهای پذیرفته شده حسابداری محسوب نمی شود. روش ارزش بازار تا حدود زیادی توسط شرکتهای بیمه، صندوقهای بازنشستگی و شرکتهای سرمایه گذاری

برای مجموعه سرمایه گذاریها مورد استفاده قرار می گیرد . روش ارزش بازار در شرایطی و تنها در مورد اوراق بهاداری که قابلیت فروش سریع (سرمایه گذاریهای کوتاه مدت) دارند به کار می رود . لازم به توجه است که روش بهای تمام شده در مورد اوراق بهاداری به کار گرفته می شود که قابلیت فروش سریع ندارند . روش ارزش بازار را به شرح زیر می توان خلاصه کرد :

۱_ طبق اصل بهای تمام شده تاریخی سرمایه گذاریها در تاریخ خرید به بهای تمام شده در حسابها ثبت می شود .

۲_ بعد از تاریخ تحویل ، حساب هر یک از سرمایه گذاریها به طور ادواری با توجه به ارزشهای جاری اوراق بهادار تعدیل می شودا مبلغ تعدیل شده تا پایان دوره بعد به عنوان ارزش دفتری سرمایه گذاری محسوب می شود .

۳_ در آمد شناسائی شده برای هر دوره شامل (الف) تمامی سود نقدی یا غیر نقدی سود سهام دریافت شده طی سال ، (ب) افزایش (کاهش) در قیمت بازار مجموعه سرمایه گذاریها طی دوره مالی که اغلب ناشی از نگاهداری اوراق بهادار است ، خواهد بود .

۴_ هنگام فروش سرمایه گذاری تفاوت بین ارزش دفتری و قیمت فروش به عنوان سود یا زیان تحقق یافته شناسائی می شود . در ارتباط با ارزیابی اوراق بهادار قابل

فروش به ارزش بازار بحثهای فراوانی مطرح شده است که خلاصه نظریات موافقین و

مخالفین استفاده از این روش در زیر ارائه می شود :

۵_ نظرات مخالفین استفاده از روش بازار :

الف - ارزیابی اوراق بهادار به ارزش بازار اصل بهای تمام شده را نقص می کند و

باعث می شود که ارزشهای موقتی بازار که به طور عینی نیز قابل تعیین نیست در

ترازنامه ارائه گردد .

ب - ارزیابی اوراق بهادار به ارزش بهادار اصل شناخت در آمد را مخدوش می سازد

زیرا به جای این که در آمد هنگام فروش شناسائی شود ، هنگام تغییر در ارزش بازار

شناسائی می گردد .

ج - استفاده از ارزشهای جاری به دلیل عدم ثبات ارزشهای بازار اوراق بهادار ،

اثرات شدیدی بر سود (زیان) می گذارد .

نظرات موافقین استفاده از روش ارزش بازار :

الف - اصولاً استفاده از روشهای جاری به جای بهای تمام شده ، به ارائه اطلاعات

مربوط تر منجر می شود .

ب - از شناسائی بیش از اندازه در آمد که هنگام فروش سرمایه گذاری و از مقایسه

بهای تمام شده به قیمت پایین با ارزش جاری حاصل می شود، جلوگیری می گردد .

ج_ از عدم رعایت و به کار گیری قاعده اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار جلوگیری می شود .

د - واحدهای تجاری می توانند با وجود رعایت اصل بهای تمام شده ، در مورد سرمایه گذاریها به گونه ای عمل کنند ه نتایج حاصله مشابه روش بازار گردد مثلا ، می توانند سرمایه گذاریها را در مقاطع معینی که قیمت بازار آنها بالاست به فروش رسانند و مجددا به خرید سرمایه گذاریهای مزبور اقدام نمایند .

حسابداری سود سهام

سود سهام آن قسمت از منافع واحد تجاری است که بنا بر پیشنهاد هیئت مدیره و تصویب مجمع عمومی بین صاحبان سهام تقسیم می شود . در مواردی که واحد سرمایه گذار تنها بخش کوچکی (مثلا کمتر از ۲۰ درصد) از کل سهام منتشره واحد سرمایه پذیر را در اختیار دارد . کنترل و نفوذ واحد سرمایه گذار بر واحد سرمایه پذیر ناچیز است یا اصولا هیچگونه کنترل یا نفوذی وجود ندارد . در چنین مواردی واحد سرمایه پذیر نفوذ یا کنترلی اعمال کند و تنها بخشی از سود واحد سرمایه پذیر که به شکل سود سهام اعلام و پرداخت می گردد به واحد سرمایه گزار تعلق می گیرد . بنابراین در چنین مواردی سود سهام دریافتی تقریبا بازده سرمایه گذاری است . در نتیجه واحد سرمایه گذار برای حسابداری سرمایه گذاریهای خود ناگزیر از بکار گیری روش بهای تمام شده خواهد بود .

تا زمانی که سود سهام توسط هیئت مدیره پیشنهاد و توسط مجمع تصویب نشود نمی تواند به صاحبان سهام پرداخت گردد. بنابراین واحد سرمایه گذار نمی تواند سود سهام را مانند سود تضمین شده اوراق قرضه، هر چند که پرداخت نشده باشد، در حسابها به عنوان درآمد شناسائی و ثبت کند. به طور کلی درآمد سود سهام را در یکی از مقاطع زیر می توان شناسائی کرد:

۱_ هنگام اعلام سود سهام (تاریخ اعلام) توسط واحد سرمایه پذیر .
۲_ در تاریخ مشخص شده توسط هیئت مدیره برای تعیین سهامدارانی که سود به آنها تعلق می گیرد حتی اگر سهام مزبور بعدا توسط سرمایه گذار به فروش رسد .

۳_ هنگام دریافت سود سهام .
باید توجه داشت که سود سهام دریافتی در تمامی موارد برای واحد سرمایه گذار به عنوان درآمد محسوب نمی شود . در برخی موارد واحدهای تجاری اقدام به اعلام و پرداخت سود سهام به میزانی بیشتر از سود خالص می کنند . در چنین مواردی ، مبلغ مازاد سود سهام اعلام شده نسبت به کل درآمد واحد تجاری تا آن تاریخ حاکی از برگشت سرمایه به واحد سرمایه گذار است که اصطلاحا سود سهام مازاد بر سود قابل تقسیم نامیده می شود .

اصطلاح سود سهام به تنهایی عموماً به مفهوم سود نقدی سهام است اما به طور کلی ، سود سهام را می توان به شکلهای زیر بین صاحبان سهام توزیع کرد :

۱_ نقدی

۲_ غیر نقدی

۳_ به شکل سهم

توزیع سود سهام تنها به شکل نقد و غیر نقد (به استثنای سود سهمی) بر دارائیهای واحد سرمایه پذیر اثر دارد و مستلزم خروج دارائی از واحد سرمایه پذیر است .

سود نقدی سهام

سود نقدی سهم سودی است که واحد تجاری بلافاصله بعد از اعلام (پیشنهاد توسط هیئت مدیره و تصویب توسط مجمع عمومی) باید به شکل وجه نقد پرداخت کند حسابداری سود نقدی سهام با استفاده از مثال زیر تشریح می شود :

مثال : شرکت خراسان در تاریخ $13 \times 2 / 2 / 1$ سود سهام مربوط به عملکرد سال 13×1 را به

مبلغ $8,000,000$ ریال پیشنهاد و اعلام کرده است که در تاریخ $13 \times 2 / 3 / 2$ نقداً قابل

پرداخت است . ثبتهای مربوط به پیشنهاد ، اعلام و پرداخت سود سهام به شرح زیر است :

سود انباشته

$8,000,000$

بدهیهای جاری - سود سهام پیشنهادی

$8,000,000$

ثبت پیشنهاد سود سهام در تاریخ 13×2/2/1

۸,۰۰۰,۰۰۰

بدهیهای جاری - سود سهام پیشنهادی

۸,۰۰۰,۰۰۰

بدهیهای جاری - سود سهام پرداختی

ثبت اعلام سود سهام در تاریخ 13×2/2/1 (پس از تصویب مجمع عمومی)

۸,۰۰۰,۰۰۰

بدهیهای جاری - سود سهام پرداختی

۸,۰۰۰,۰۰۰

بانک

ثبت سود سهام اعلام شده در تاریخ 13×2/3/2

ملاحظه می شود که حقوق صاحبان سهام (سود انباشته) در تاریخ پیشنهاد سود کاهش

می یابد. همچنین، خالص دارائیهها در تاریخ مزبور به دلیل افزایش بدهیهای جاری

کاهش می یابد. کاهش وجوه نقد در تاریخ پرداخت سود سهام، به دلیل کاهش مشابه

در بدهیهای جاری، تاثیری بر خالص دارائیهها نخواهد داشت.

سود غیر نقدی سهام

یک واحد تجاری ممکن است سود سهام اعلام شده را به صورت دارائیههای غیر از وجه

نقد پرداخت کند. دارائیهها مزبور ممکن است سهام سایر واحدهای تجاری (سرمایه

گذاری در سایر واحدهای تجاری) یا هر گونه دارائی دیگری باشد.

سود غیر نقدی سهام به ارزش متعارف جاری دارائی توزیع شده ثبت می گردد. طبق

استانداردهای حسابداری هر گونه سود یا زیان که مربوط به تفاوت بین ارزش متعارف

جاری دارائی و ارزش دفتری آن است در تاریخ اعلام سود سهام باید شناسائی گردد
حسابداری سود غیر نقدی سهام با استفاده از مثال زیر تشریح میشود :

مثال : شرکت خراسان در تاریخ 13×1/7/1 سود غیر نقدی سهام به مبلغ ۳۶۰۰۰۰۰ ریال پیشنهاد میکند که پس از تصویب مجمع از طریق توزیع ۶۰۰۰ سهم شرکت الف که جزء سرمایه گذارهای شرکت خراسان می باشد پرداخت می گردد . ارزش دفتری سرمایه گذاری مزبور در تاریخ 13×1/7/1 بالغ بر ۳۰۰۰۰۰۰ ریال و ارزش متعارف جاری آن ۳۶۰۰۰۰۰ ریال بوده است . سود غیر نقدی سهام در تاریخ 13×1/7/25

توزیع می گردد . ثبتهای لازم به شرح زیر است :

سود و زیان انباشته ۳۶۰۰۰۰۰
پیشنهادی (غیر نقدی)

ثبت پیشنهاد سود سهام در تاریخ 13×1/7/1.

بدهیهای جاری - سود سهام پیشنهادی ۳۶۰۰۰۰۰

بدهیهای جاری - سود سهام پرداختی

ثبت تصویب و اعلام سود سهام (غیر نقدی)

سرمایه گذاری در سهام شرکت الف ۶۰۰۰۰۰۰

سود ناشی از توزیع سرمایه گذاری به

صورت سود سهام

۶۰۰٫۰۰۰

ثبت شناسائی سود ناشی از توزیع سرمایه گذاری به صورت سود سهام

۳۶۰۰٫۰۰۰

بدهیهای جاری - سود سهام پرداختی

سرمایه گذاریها - سرمایه گذاری در سهام

۳۶۰۰٫۰۰۰

شرکت الف

سود سهمی :

سود سهام را می توان به صورت وجه نقد ، دارائی غیر از وجه نقد یا به شکل سهم اعلام و توزیع کرد .

اعلام و انتشار سود سهمی علاوه بر این که تقسیم سود محسوب می شود اما در عین حال از مصرف و خروج وجه نقد از واحد تجاری جلوگیری می کند . در مواردی که سود سهمی منتشر می شود واحد تجاری منتشر کننده ، حساب سود (زیان) انباشته را بدهکار و حساب سرمایه را بستانکار می کند واحد تجاری توزیع کننده سود سهمی در واقع بخشی از سود انباشته خود را به سرمایه تبدیل می کند . بنابراین جزء دارائیهای واحد تجاری محسوب نمی شود .

نحوه برخورد واحد سرمایه گذار با سود سهمی دریافتی :

هنگام توزیع سود سهمی ، سرمایه گذار نه بخشی از دارائیهای واحد سرمایه پذیر را دریافت می کند و نه این که سهم آن در واحد سرمایه پذیر تغییر می کند بلکه تنها تعداد

سهام مورد سرمایه گذاری افزایش می یابد . بنابراین دریافت سود سهمی از هر گروه سهام بدون این که بهای تمام شده سرمایه گذاری را تغییر دهد موجب افزایش تعداد سهام می گردد .

واحد سرمایه گذار هنگام دریافت سود سهمی هیچگونه ثبتي در دفاتر انجام نمی دهد بلکه تعداد سهام آن که معرف میزان سرمایه گذاری است به شکل آماری افزایش می یابد و مراتب از طریق یاد داشتهای همراه صورتهای مالی افشاء می شود . سرمایه گذاران اغلب ترجیح می دهند که به جای دریافت سود نقدی سهام ، سود سهمی دریافت کنند . چنانچه

سهام دریافتی به شکل سود سهمی از همان نوع سهام تحصیل شده قبلی باشد ، بهای تمام شده هر یک از سهام مورد سرمایه گذاری کاهش خواهد یافت . هنگامیکه سود سهام مورد سرمایه گذاری بفه فروش می رود بهای تمام شده اخیر ملاک محاسبه سود یا زیان حاصل از فروش قرار خواهد گرفت . نحوه برخورد واحد سرمایه گذار با سهام دریافتی به شکل سود سهمی از طریق مثال زیر تشریح می شود :

مثال : شرکت خراسان ۱۰۰ سهم عادی از سهام شرکت الف را به بهای هر سهم ۹۰۰۰ ریال خریداری می کند . در پایان دوره مالی ، شرکت خراسان ۵۰ سهم عادی به شکل سود سهمی دریافت می کند . پس از دریافت سود سهمی تعداد ۲۰ سهم به جای هر سهم

۸۵۰۰ ریال فروخته می شود. خلاصه عملیات مزبور از نظر شرکت خراسان به شرح

زیر است:

بهای تمام شده	جمع بهای تمام شده	درآمد حاصل از
تعداد	(ارزش دفتری)	فروش سود (زیان)
هر سهم		
بهای تمام شده در سهام عادی	۷۵۰۰۰۰۰	
ارزش بازار سهام عادی	۱۰۰۰۰۰۰۰	
ارزش بازار سهام ممتاز	۲۵۰۰۰۰۰	

$$\text{بهای تمام شده سهام عادی} = ۶۰۰۰۰۰۰ = ۷۵۰۰۰۰۰ \times ۱۰۰۰۰۰۰$$

$$\text{بهای تمام شده سهام ممتاز} = ۱۵۰۰۰۰۰ = ۷۵۰۰۰۰۰ \times ۱۲۲۵۰۰۰$$

$$۱۲۵۰۰۰۰۰$$

$$۷۵۰۰۰۰۰$$

ثبت دریافت سود سهمی توسط سرمایه گذار با توجه به محاسبات بالا به شرح زیر خواهد

بود:

$$۱۵۰۰۰۰۰$$

سرمایه گذاری در سهام ممتاز شرکت الف

$$۱۵۰۰۰۰۰$$

سرمایه گذاری در سهام عادی شرکت الف

نحوه برخورد واحد سرمایه پذیر با توزیع سود سهمی: واحد سرمایه پذیر سود سهمی را از طریق صدور سهام اضافی و به نسبت سهام منتشره بین سهامداران فعلی توزیع می کند. تاثیر سود سهمی بر واحد تجاری توزیع کننده، انتقال دائمی بخشی از مانده سود انباشته به حساب سرمایه است. در این حالت مانده سود انباشته کاهش و مانده حساب سرمایه افزایش می یابد بدون این که تغییری در دارائیهای واحد تجاری توزیع کننده ایجاد می شود بنابراین اجزای تشکیل دهنده حقوق صاحبان سهام پس از توزیع سود سهمی تغییر خواهد کرد بدون اینکه جمع حقوق صاحبان سهام صادر شده در مقایسه با مبلغ ثبت شده به عنوان سود سهام برای سهامداران از اهمیت بیشتری برخوردار است. هنگامی که تعداد سهام صادره و توزیع شده به عنوان سود سهمی در مقایسه با کل سهام منتشره واحد سرمایه پذیر به حدی ناچیز است که نمی تواند بر ارزش بازار سهام تاثیر قابل ملاحظه ای گذارد، واحد سرمایه پذیر باید سود سهمی را دست کم با توجه به ارزش بازار آن ثبت کند.

مثال: سرمایه سود سهمی به میزان ۵ درصد سرمایه توزیع شود ارزش بازار هر سهم در تاریخ مزبور ۲۵۰۰۰ ریال است. نحوه محاسبه و ثبت سود سهمی به شرح زیر است:

محاسبه سود سهمی:

۱۰,۰۰۰

تعداد سهام صادره

www.kandooch.com

درصد سود سهمی

۵٪

تعداد سهامی که سود سهمی را تشکیل می دهد ۵۰۰

۲۵۰۰۰

ارزش بازار هر سهم - ریال

۱۲۵۰۰۰۰۰

مبلغ سود سهمی

ثبت سود سهمی :

۱۲۵۰۰۰۰۰

سود و زیان انباشته

۱۲۵۰۰۰۰۰

سود سهمی قابل توزیع

www.kandooch.com

ثبت پیشنهاد و اعلام سود سهمی

۵۵۰۰۰۰۰

سود سهمی قابل توزیع

۵۰۰۰۰۰۰

سرمایه (۱۰۰۰۰ × ۵۰۰)

۷۵۰۰۰۰۰

[۱۰۰۰۰ - (۲۵۰۰۰ × ۵۰۰)]

www.kandooch.com

ثبت صدور سهمی

با توجه به محاسبات و ثبت بالا ملاحظه می شود که ابتدا تعداد سهامی که باید به عنوان

سود سهمی توزیع گردد ، محاسبه می شود و سپس حساب سود (زیان) انباشته معادل

کل مبلغ سود سهام بدهکار و حساب سود سهمی بستانکار می شود. پس از تصویب ،

www.kandooch.com

حساب سود سهمی بدهکار و حساب سرمایه (سهم عادی) معادل ارزش اسمی سهام

منتشره بستانکار و حساب صرف سهام معادل مازاد کل مبلغ سود سهام نسبت به ارزش

اسمی سهام منتشره بستانکار می شود. قیمت بازار سهام به منظور محاسبه و ثبت مبلغ سود

سهام بکار گرفته شده است. در برخی مواقع، توزیع سود سهمی ارزش بازار هر سهم را

به طور قابل ملاحظه ای کاهش می دهد. در این حالت، سود سهمی بر مبنای ارزش

اسمی هر سهم ثبت شود. اصولاً توزیع سود به شکل سهم تا ۲۵ درصد به عنوان سود

سهمی بدون تاثیر بر ارزش بازار سهم تلقی می شود. در این حالت تبدیل سود انباشته به

سرمایه باید حداقل بر اساس بازار هر سهم انجام شود. توزیع سود سهمی مازاد بر ۲۵

درصد باید به عنوان سود سهمی موثر بر ارزش بازار سهم تلقی شود. در این گونه موارد

تعدیل سود انباشته باید حداقل به ارزش اسمی هر سهم انجام شود (در مواردی میانگین

مبلغ پرداخت شده برای هر سهم با توجه به ارزش اسمی سهام و صرف سهام، ملاک

ثبت قرار گیرد). در ارتباط با درصدهای فوق باید توجه داشت معیار اصلی در مورد

نحوه حسابداری از نظر واحد سرمایه پذیر میزان تاثیر سود سهمی بر ارزش بازار سهام

است. درصدهای مزبور صرفاً زمانی به کار می رود که تاثیر سود سهام به طرق دیگر قابل

شناسائی نباشد.

مثال: سرمایه شرکت الف متشکل از ۲۰,۰۰۰ سهم عادی ۵,۰۰۰ ریالی است. شرکت

الف در نظر دارد زمانی که ارزش بازار هر سهم عادی ۱۳,۰۰۰ ریال است سود سهمی به

شرح زیر توزیع کند:

حالت اول: توزیع سود سهمی به میزان ۳ درصد سرمایه اعلام می شود.

ارزش بازار هر سهم بعد از اعلام سود سهمی ۱۳,۰۰۰ ریال است. (بدون تاثیر بر ارزش

بازار)

حالت دوم: توزیع سود سهمی به میزان ۵۰ درصد سرمایه اعلام می شود. ارزش بازار هر

سهم بعد از اعلام سود سهمی ۸,۰۰۰ ریال است (تاثیر بر ارزش بازار)

حالت سوم: توزیع سود سهمی به میزان ۲۵ درصد سرمایه اعلام می شود ارزش بازار هر

سهم بعد از اعلام سود سهمی ۱۳,۰۰۰ ریال است (بدون تاثیر بر ارزش بازار)

حالت چهارم: توزیع سود سهمی به میزان ۲۵ درصد سرمایه اعلام می شود. ارزش بازار

هر سهم بعد از اعلام سود سهمی ۹,۰۰۰ ریال است (تاثیر بر ارزش بازار). در این

حالت نظر است میانگین مبلغ پرداخت شده برای هر سهم منتشره قبلی، با توجه به صرف

سهم و مبلغ پرداخت شده سهام، ملاک ثبت قرار گیرد. حقوق صاحبان سهام نشان

می دهد که ارزش سهام به مبلغ ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و صرف سهام به مبلغ

۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال است. ثبتهای مربوط به سود سهمی در هر یک از حالات فوق به

شرح زیر خواهد بود:

محاسبه سود سهمی:

تعداد سهام منتشره	حالت اول	حالت دوم	حالت سوم	حالت چهارم
۲۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰
درصد سود سهمی	۳٪	۵۰٪	۲۵٪	۲۵٪
تعداد سهام مربوطه	۶۰۰	۱۰,۰۰۰	۵,۰۰۰	۵,۰۰۰
به سود سهمی	۱۳,۰۰۰	۱۳,۰۰۰	۵,۰۰۰	۵,۰۰۰

ارزش بازار هر سهم ۱۳,۰۰۰ ریال
 ارزش اسمی هر سهم ۵,۰۰۰ ریال
 میانگین مبلغ پرداخت شده برای هر سهم - ریال

$$[(۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) / ۲۰,۰۰۰]$$

 ۱۱,۰۰۰

مبلغ سود سهمی ۷,۸۰۰,۰۰۰ ریال
 ۵۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
 ۶۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
 ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

ثبتهای مربوط به سود سهمی: (مبالغ به ریال)

هنگام اعلام سود سهمی:

سود انباشته ۷,۸۰۰,۰۰۰ ریال
 ۵۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
 ۶۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
 ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

سود سهمی قابل توضیح

(به ارزش اسمی) ۳٫۰۰۰٫۰۰۰ ۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ۲۵٫۰۰۰٫۰۰۰ ۲۵٫۰۰۰٫۰۰۰

صرف سهام ۴٫۸۰۰٫۰۰۰ - ۳۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ۴۰٫۰۰۰٫۰۰۰

هنگام توزیع سهام :

سود سهمی قابل توضیح ۳٫۰۰۰٫۰۰۰ ۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ۲۵٫۰۰۰٫۰۰۰

۲۵٫۰۰۰٫۰۰۰

سرمایه ۳٫۰۰۰٫۰۰۰ ۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ۲۵٫۰۰۰٫۰۰۰

۲۵٫۰۰۰٫۰۰۰

در مثال بالا فرض شده است که شرکت الف سود سهمی را هنگام اعلام ثبت می کند .

بنابراین ، حساب سود سهمی قابل توزیع به ارزش اسمی هر سهم بستانکار می گردد .

حساب صرف سهام نیز هنگام اعلام سود بستانکار شده است و هنگام توزیع حساب

سرمایه طی ثبت جداگانه ای بستانکار می گردد . حساب سود سهمی قابل توزیع جزء

بدهیها نیست بلکه بخشی از حقوق صاحبان سهام (سود نقدی سهام و سود غیر نقدی

سهام جزء بدهیها است) می باشد از آنجائی که سود سهمی قابل توزیع (سود سهمی

پیشنهادی) بدهی نیست می توان آن را بعد از اعلام لغو کرد .

مواردی در رابطه با سرمایه گذاری در سهام

برخی نکات که مربوط به خرید و نگاهداری سرمایه گذاری در سهام است تحت

سرفصلهای زیر مورد بحث قرار می گیرد :

۱_ تجزیه سهام (کم کرده ارزش اسمی سهام)

۲_ سرمایه گذاری در اوراق بهادار قابل تبدیل به سهام

تجزیه سهام

تجزیه سهام هنگامی مطرح می شود که یک واحد تجاری بدون این که سود انباشته خود را به سرمایه تبدیل کند یا مبلغ سرمایه ثبت شده را افزایش دهد سهم جدید اضافی منتشر می نماید و سهامداران هیچگونه وجوهی را در قبال سهام دریافتی پرداخت نمی کنند و دارائیهای واحد تجاری قبل و بعد از تجزیه سهام بدون تغییر می ماند .

هدف از تجزیه سهام افزایش تعداد سهام است به طوری که ارزش بازار سهام کاهش یابد . کاهش ارزش بازار سهام موجب می شود که خرید و فروش سهام بهبود یابد و سهام به مقیاس وسیع توزیع گردد. همزمان با افزایش تعداد سهام ، ارزش اسمی هر سهم کاهش می یابد . اگر چه از نر صادر کننده سهام افزایش تعداد سهام با سود سهمی متفاوت است

اما از نظر سرمایه گذار واقعا هر دو مشابه می باشد . در هر دو حالت سرمایه گذار دارنده تعداد بیشتری سهام نسبت به قبل از توزیع سود سهمی و تجزیه سهام خواهد بود ، بدون این که بهای تمام شده آن تغییر یابد . نحوه حسابداری تجزیه سهام از نظر سرمایه گذار مشابه سود سهمی خواهد بود . به عبارت دیگر تنها ثبت آماری به منظور ثبت تعداد سهام

جدید دریافتی و محاسبه بهای تمام شده جدید برای هر سهم انجام می گردد . به منظور

نشان دادن نحوه حسابداری تجزیه سهام از نظر واحد سرمایه پذیر مثال زیر ارائه می شود :

مثال : سرمایه شرکت الف متشکل از ۱۰,۰۰۰ سهم عادی ۲,۰۰۰ ریالی است . شرکت

الف در تاریخ 13/2/1/1 تصمیم می گیرد سهام منتشره را با ۴۰,۰۰۰ سهم جدید با ارزش

اسمی هر سهم ۵۰۰ ریال معاوضه کند . ثبت مربوط به تجزیه سهام در دفاتر شرکت الف

به شرح زیر خواهد بود :

سرمایه - سهام عادی ۲,۰۰۰ ریالی

(۲,۰۰۰ × ۱۰,۰۰۰) ۲۰,۰۰۰,۰۰۰

سرمایه - سهام عادی ۵۰۰ ریالی

(۴۰,۰۰۰ × ۵۰۰) ۲۰,۰۰۰,۰۰۰

در برخی از موارد یک واحد تجاری ممکن است تصمیم بگیرد که تعداد سهام منتشره را

به نسبت معینی کاهش دهد . این نحوه عمل تجزیه معکوس سهام نامیده می شود . هدف

از تجزیه معکوس سهام افزایش ارزش بازار سهام است . در تجزیه معکوس سهام ارزش

اسمی هر سهم به میزان معکوس نسبتی که تعداد سهام کاهش داده می شود افزایش می یابد

. از لحاظ سایر جنبه ها ، روش حسابداری تجزیه معکوس سهام تجزیه سهام است . نحوه

حسابداری تجزیه معکوس سهم از طریق مثال زیر تشریح می شود :

مثال: سرمایه شرکت الف متشکل از ۱۰,۰۰۰ سهم عادی ۲,۰۰۰ ریالی است. شرکت

در تاریخ 13×2/1/1 تصمیم می‌گیرد ارزش اسمی هر سهم را به ۴,۰۰۰ ریال افزایش

دهد. ثبت مربوط به تجزیه معکوس سهام به شرح زیر خواهد بود:

سرمایه - سهام عادی ۲,۰۰۰ ریالی

(۱۰,۰۰۰ × ۲,۰۰۰) ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریالی

سرمایه - سهام عادی ۴,۰۰۰ ریالی

(۵,۰۰۰ × ۴,۰۰۰) ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریالی

سرمایه گذاری در اوراق بهادار قابل تبدیل به سهام

واحدهای تجاری ممکن است در سهام ممتاز یا اوراق قرضه ای که تحت شرایط خاصی

قابل تبدیل به سهام عادی است، سرمایه گذاری کند. آنچه که در این مورد واجد

اهمیت است نحوه حسابداری سرمایه گذاری در این گونه اوراق بهادار به هنگام تبدیل

آنها است زیرا بهای تمام شده یا ارزش دفتری اوراق بهادار قابل تبدیل معمولاً با ارزش

بازار سهام عادی هنگام تبدیل تفاوت خواهد داشت. در این مورد دو نظریه به شرح زیر

مطرح شده است:

۱- طبق نظریه اول، ارزش دفتری اوراق بهادار قابل تبدیل به سهام (۱) در تاریخ تبدیل

به عنوان بهای تمام شده سهام جدید دریافتی محسوب و بنابراین هیچگونه سود یا زیانی

هنگام تبدیل شناسائی نمی‌شود. طرفداران این نظریه معتقدند از آنجائی که رویداد اولیه

(سرمایه گذاری در اوراق بهادار قابل تبدیل به سهام) مشخص کننده ارزش هر دو گونه

اوراق

مزبور (یعنی اوراق بهادار و سهام عادی) بوده است ، بنابراین سرمایه گذار اوراق بهادار

قابل تبدیل به سهام را با آگاهی کامل از ویژگی قابلیت تبدیل آن خریداری کرده است .

در نتیجه تبدیل اوراق بهادار به سهام عادی یک رویداد مبادله ای متفاوت تلقی نمی شود .

۲- طبق نظریه دوم ، اوراق بهادار (سهام عادی) جدید دریافتی در تاریخ تبدیل به ارزش

بازار ثبت و سود یا زیان ناشی از تبدیل نیز شناسائی می شود . طرفداران این نظریه

معتقدند که یک رویداد مبادله ای جدید و متفاوت هنگام تبدیل رخ داده است .

اگر چه نظر دوم تا حد زیادی به واقعیت نزدیکتر است اما نظریه اول در عمل بیشتر مورد

استفاده قرار می گیرد . موضوع اوراق بهادار قابل تبدیل در بخش دوم نیز مورد بحث قرار

می گیرد .